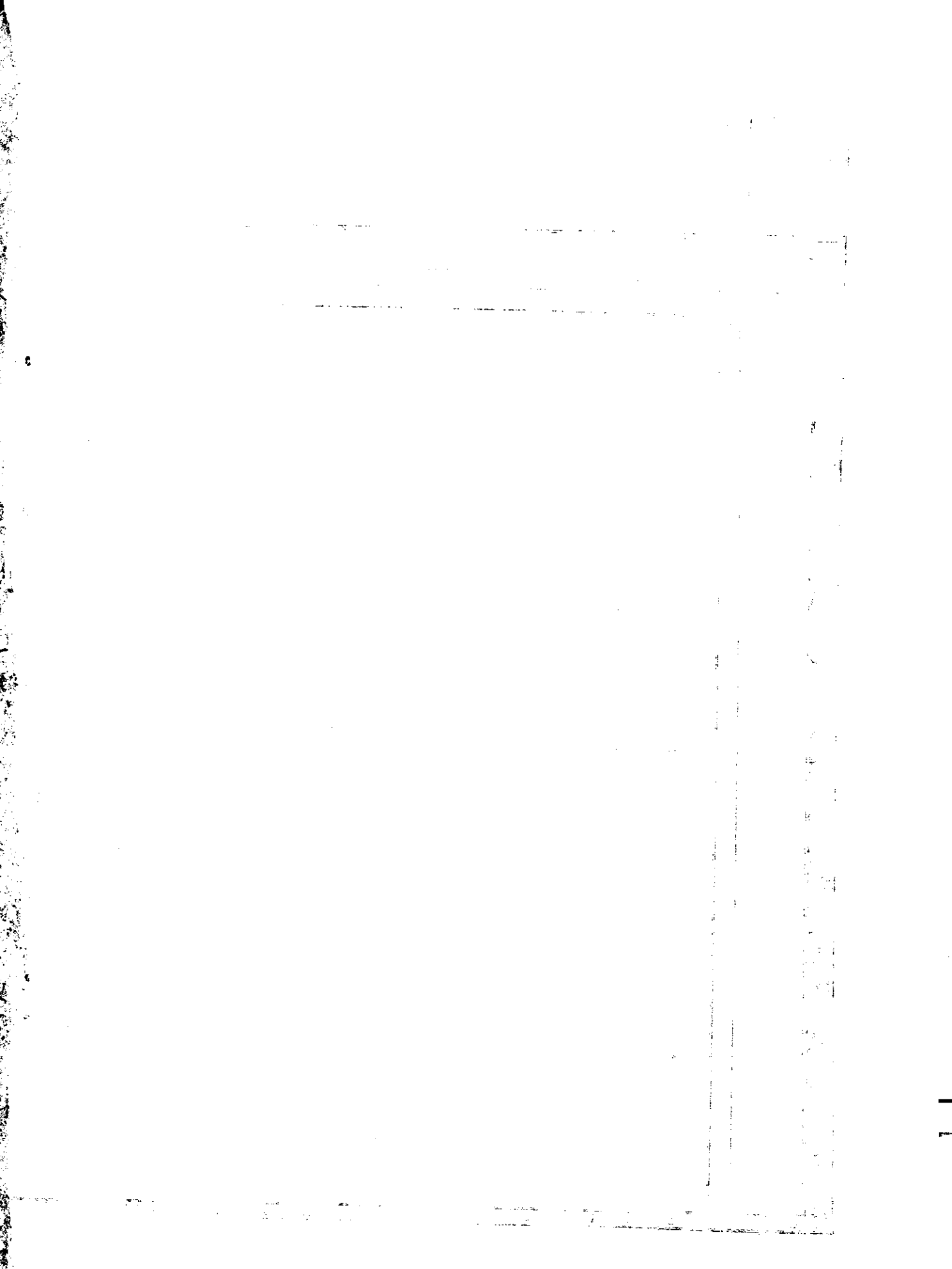


V
—
IV





اجباً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند
و در امور سیاسی مداخله نمایند. «حضرت عبدالبهاء»

آهنگت بدیع

مخصوص جامعه بهائی است

شماره ششم ۱۱۶ بیت

مهر ۱۳۴۱ شمسی - اکتبر ۱۹۶۲ میلادی

شماره ۷ سال ۱۷

شماره مسلسل ۱۷

فهرست مندرجات

صفحه

۱۲۸	۱- لوح مبارك حضرت عبدالبهاء جل ثنائيه
۱۲۹	۲- ديروز و امروز و فردا
۱۳۱	۳- حالاتي چند از حضرت عبدالبهاء
۱۳۴	۴- نرگس مست (شعر)
۱۳۵	۵- ايامي ام الله - ميسيس كهلب
۱۳۷	۶- دقت در مطالعات امريه
۱۳۹	۷- تاريخچه و كيفيت نفوذ ام الله در كشور نروژ
۱۴۷	۸- يك خاطره جالب
۱۴۸	۹- جناب حسن نوش آبادي
۱۵۰	۱۰- بياد يك مبلغ منقطع (شعر)
۱۵۲	۱۱- طهران
۱۵۵	۱۲- سيزدهمين انجمن شورروحياني ملي جوانان بهائي ايران

عکس روی جلد - سیزدهمین انجمن شورروحياني ملي جوانان بهائي ايران
(بصفحه ۱۵۵ رجوع فرمائيد)

ط. بواسطه جناب حاجی امین علیہ بہار اللہ جناب احمد خان عکاس علیہ بہار اللہ الابی

بہو اللہ

ای عکاس حبیب کائنات بر یک آئینہ کید گیرند و صور بر یک در دیگر می رسم ولی صفحات آفاق
مختلف ہر جسم شفاف بسبب انحرار شعاع کاشف سایر اشیاء و جسم غیر شفاف عکس ارتسام
و انعکاس در او نمودارند و بسچنین صفحات قلوب انسان بر یک صافی و لطیف و شفاف مثال
شمس حقیقت در او نمودار و تجلیات انوار در تپش پدیدار و قلوب غیر صافہ محسوم از این انوار
پس ای عکاس ہر صفحہ قلب را از جمیع نقوش و الوان و رنگار و عبارمت از نما و مقابل
ملکوت ابھی کن تا انعکاسات ملا اعلیٰ در او افتد و پر تو شمس حقیقت در او تابد آنوقت
حقیقت کلمات مبارکہ فوادک منزلی قدسہ سنہ ولی و قلبک منظر می طمرہ لظہوری تحقق باید.

و علیک بہار

ع ع

دیروز

امروز

فروا

وگوشن رفت

تکامل و ترقی و سائل ارتباط که مدیون و مرهون توسعه دامنه اکتشافات جدید و صنایع بدیع است در این قرن و خصوصاً در سالیان اخیر بر میزان مراد و ارتباط ملل عالم و تبادل کالا و امتعه بین ملل شرق و غرب افزوده و آنرا بایه ای رسانده که هرگز شهبه خیال بشری در قرون گذشته حتی جرأت تصور و تخیل آنسرا بخود نمیداد .

اگر در صده بانزد هم و شانزدهم میلادی معدودی کشتی های شرعی ممالک دریا نورد آنروز جهان و قلیلی ملاحان ماجراجو و حادثه طلب بخیال تسخیر سرزمینهای غیر مکشوف و با باز دید ممالک دور افتاده و مهجور و با آرزوی دست یافتن بگنجینه های سرشار مردم خاور رنج سفر بخود هموار می ساختند و یا گروهی سود آگرو بازرگان بطعم تحصیل سودی وافر بتجارت ادویه و ابریشم که خریداران فراوانی در اروپا داشت مخاطرات سفر دور در راه و ماجرائی را بجان می خریدند مواردی بسیار شاد و نادر بوده و از اینرو نام آن مسافران جسور بعنوان قهرمان تاریخ ثبت گردیده است .

اینگونه سفرها چنانکه گذشت غالباً با خاطر تماشای قصور و کاخهای افسانه ای خاقان چین و یا سلاطین هند و ایران و یا سیاحت شهرها و آگاهی بر چگونگی زندگی شرقیان و آداب و مراسم متداوله بین آنان بوده چه که اروپائیان همواره شرق را سرزمین اسرار مپنداشتند و این پندار ناشی از شهرت افسانه های هزار و یکشب در میان ایشان بوده که بالضروره حسی کجکاو و تمایل تجسس و تحقیق در احوال آن مردم را بر میانگیخته است .

تا یکی دو قرن قبل مسافرت مسرفیان اروپا رسم و معمول نبود و لی از آن پس ابتدا معدودی بعزم سیاحت فرنگستان با وجود مشاکل و صعوبات مسافرت قدم براه نهادند و در بازگشت حامل و ناقل سرگذشت زندگی و کیفیت احوال اجتماعی و عمومی و ترقیات شکر مغربیان در زمینه دانش و صنعت و فنر و موسیقی تجارت و کشاورزی و بالجمله جمیع جنبه های حیات انسانی بودند که ناگفته معلم است تا چه حد در تشویق و تحریک نفوس در ممالک شرق موثر بوده است هر چند زعماء بعضی ممالک مشرق چون چین و ژاپن تا مدت های این رفت و آمد ها را ممنوع ساخته و سد راه مراد و ارتباط بین مردم سرزمینهای خود با غرب بودند و لکن با مال ظهور و بروز وسائل ارتباط سریع السیر و تسهیل مسافرت از یکطرف و ملاحظه آثار و ثمرات نمایان و روشنی که از مناسبات و ارتباطات دوستانه نصیب دولت ها و ملت ها میگردد از سمت دیگر دست بدست هم داده و همراه با آمادگی زمینه فکری و ذهنی عامه (که بلاشک نماینده حلول بهار عالم آرای روحانی بود) موجب گشت که انواع واقسام روابط بین ممالک شرق و غرب بوجود آید و دسته دسته مسافر از دو جهت سرازیر گردد تبادل امتعه و کالا با سرعتی حیرت آور آغاز شود اقتباس از فرهنگ و معارف و هنر و محاسن و مزایای مدنی جدید رونق پذیرد و از آنسو نمایندگان دولت برای تعدیل و تحکیم مناسبات فرستاده شدند و بتدریج در شئون مختلفه فرهنگ سیاست بازرگانی و سائر جنبه های حیات انسانی تعاون و اشتراک مساعی آغاز شد و نهال نورسته بد رختی بارور تبدیل گردید . اکنون وضع کلی عالم بنحویست که هیچیک از

آهنگ بدیع

صنعت و نتایج آثار مرتبه آن مبانی فکری گروه بسیاری که شاید خالی از نفوذ نیستند دچار جمودت و خمودت گشته و دامنه دید و نظر وسعت نیافته تنگ بینی و کوته فکری همچنان بر جای مانده و قبول اندیشه نوین و اساس جهان بینی و جهان دوستی که ارمغان الهی برای عصر ما است با امتناع و سردی تلقی گشته است و حتی در حالیکه اتومبیل و ترن در کمتر از چند شبانه روز هواپیما در ظرف چند ساعت و امواج رادیو در چند لحظه مسافتات و فواصل را درهم نوردیده و ساکنین اقالیم دور دست را بهم پیوسته و قطعات مختلف را بیکدیگر نزدیک ساخته اند و میوه های خوشگوار فکر و ذوق انسانی و مواهب و نعم طبیعی ممالک را بیکدیگر میسرانند تلاش های بی ثمر بمنظور ابقا و حفظ اعتبار و ارزش علائق و سد های مخلوق انسان در روزگاریکه مرحله طفولیت و صباوت را میگذرانیده هنوز ادامه دارد .

برخورد و تصادم این کشش منطقی و طبیعی بسمت وجهت ذروه اعلای تکامل یعنی " وحدت و اتحاد " با کوشش بیفایده و ثمریکه در راه حفظ سنت ها و روشهای دیرین حتی هر اندازه با مقتضیات و ضروریات کنونی مغایر و متباین باشد - در قرن اخیر موجب بروز تشنگی و سختی شده که حاصل آن فقدان آرامش و ثبات سیاسی و اجتماعی و روحی است هر چه بر میزان لجاجت و سرسختی ستاینندگان و پیرستندگان بت های معمول و خدایان دروغی معبد نامقدس انسانی (۱) بیفزاید بالطبع از کمیت و کیفیت سعادت و نیکبختی ملل و اقوام خواهد کاست خوشبختانه در میان ظلمت و تاریکی ایام نوابخ و بزرگانگی برخاسته اند که صحنه فکر و دامنه دیدشان از پرتو انوار نیر اعظم ظهور مقدس الهی روشن و تابنده است . این نفوس لزوم و ضرورت ترک تمصبات دیرین و معتقدات و ملاحظیات گذشته را با شجاعت و صراحت قابل تحسینی صراحت آور

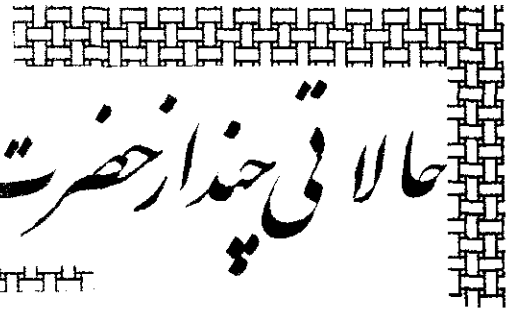
(بقیه در صفحه ۱۳۸)

عناصر مرکبه و اجزاء متشکله آن یعنی دول جهان بدون حفظ رشته های پیوند و علائق ارتباطی با سایر ممالک قادر با استقرار تعادل و ثبات نیست و آنچنان خویش را نیازمند و محتاج بی بیند که پیوسته کوشا است بطرق ممکنه موجبات بقا و استحکام این مناسبات را فراهم آورد بنا بگفته نویسند ه روشن بین معاصر LE CANTE, NUIT جهان امروز بمنزله کالبد انسانی است که اندام ها و ارگان مختلف آن - توسط رشته ها و شبکه های وسیع عروق و اعصاب بیکدیگر بسته و پیوسته است و واحد کلی لاینفک و لایتجزائی را میسازد و بهمان سان که ادامه حیات و بقا برای هیچیک از اعضا بدون استمداد و استعانت از مرکز فعاله و اندام های دیگر میسر نیست بهمان کیفیت در صحنه عالم امروز قطع مناسبات و روابط در حکم انهدام واضحلال عریک از اجزاء خواهد بود .

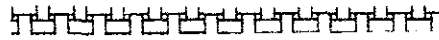
اصولاً امروز مسئله (مسافت و بعد) بالمره بکناری زده شده زیرا انسان در هر نقطه ای از نقاط جهان که مقیم باشد سهولت و سرعت وقایع و حوادث دورترین منطقه عالم را از راه دیومیشنود در جرائد میخواند ؛ ز احوال و آراء اهالی و خلائق اقالیم مختلف با غور و سیر در متون کتب آگاه میشود . از محصولات فکری و یا طبیعی خطه ها متمتع و برخوردار میگردد مثلاً اگر در سرزمین های سرد و دور دست شمالی باشد از مواد احتراقی که در هزاران میل دورتر اکتشاف و بهره برداری شده استفاده میکند میوه های مناطق معتدله و استوائی مذاق وی را متلذذ میسازد در برده های سینما و تلویزیون از روش زندگی و شیوه تعلیم و تربیت عمومی مردم قلب قاره افریقا مطلع میشود .

اما نکته شایان تمنع و تأمل اینجا است که علیرغم جریان سریع و سیر حیرت بخش تقدم و پیشرفت

(۱) نقل از قدظهریوم المیعا د



حالاتی چند از حضرت عبدالبهاء



ترجمه: هدایت الله بهار

از کتاب «رسالت حضرت بهار الله»

تألیف: حجج تاووزند

پرفسور چین (۱) در کتاب خود موسم با اتحاد ادیان و نژاد هادرباره شخصیت عظیم و جلیل حضرت عبدالبهاء چنین مینویسد:

«تا آنجا که بفکر من میرسد کمتر کسی در زمان حیات خود به کمال و جلال حیات روحانی حضرت عبدالبهاء نائل گردیده است» روش حضرت عبدالبهاء در حیات نظیر حیات روحانی حضرت مسیح است زیرا پیر و ان خود را به تبعیت از آن دلالت میکرد و به پرستش خدای تعالی هدایت میفرمود و بآنهایی آموخت که حتی بدشمنان خود محبت کنند و بدی را با خوبی معامله نمایند و جهت لعن کنند آن خود مغفرت طلبند. بآنها توصیه میکرد تا در دنیایی که سر تا سر آترا سو، تفاهم و ظلم و جور فرا گرفته با مردم بمحبت رفتار نمایند. در مقابل ناملایمات زندگی جرأت و شهامت بخرج داد و آرامش خاطر خویش را با بصیرت کامل همواره حفظ میفرمود.

در زندگی حضرت عبدالبهاء این حقیقت را در می یابیم که اصول و مقررات زندگی جهان نوین را میتوان در حقایق روحانی ادیان جستجو کرد. در نظر حضرت عبدالبهاء روحانیت و ایمان تنها وسیله مؤثر تعمیم اخلاقیات بشمار میروند و فضائی که در زندگی مورد توجه قرار میگرفتند بدون توجه بروحانیت و ایمان فاقد ارزش میباشند.

ایام حیات ایشان وقف خدمت بامر خدا و ابنیاء انسان گردید و در خاتمه حیات از اینکه نیروی حیاتی خود را در طریق خدمت بامر الهی مصرف نمودند راضی و مسرور بودند ایشان معتقد بودند اعلی درجه کمال بشری موفقیت در کسب رضای الهی است و هدف نهائی انسان شناسائی خداوند است بنابراین هرگونه دانش و علمی که با چنین معرفتی تطبیق نکند قابل تحصیل و تعقیب نیست علیهذا کسانی که از موهبت شناسائی خداوند محروم باشند جزو افراد سعادت مند محسوب نخواهند شد.

نیروی محبت الله در وجود مبارکشان چنان قوی بود و تولید آرامش میکرد که هیچگونه حادثه ای موجب تکدیر مسرت درونی و روحانی ایشان نمی شد بطوریکه وقتی با افراد غمناک و مصیبت زده برخورد میفرمودند غم آنها تبدیل بسرور می شد و در محضرش ناملایمات حیات را فراموش میکردند قلب او همیشه جهت بی نوایان و یتیمان در فشار بود و چنانچه عملی از دوستان خود میدید که از حدود اخلاق و محبت خارج بود بحسدی متأثر می شدند که در صحت ایشان مؤثر می شد معهذا مصائب و بلیاتی را که در دوره حیات با آن مواجه بودند با قدرت روحانی زاید الوصفی تحمل می فرمودند مصائب و رنجهایی که در مدت چهل سال در سجن اعظم تحمل فرمودند قوی ترین اشخاص را حتی در ظرف یکسال

(۱) پرفسور چین از فلاسفه و مؤلفین مشهور انگلستان بود که در حالت بیماری و ابتلای بمرض فلج بوسیله جراید از سفر مبارک بآمریکا و اروپا با خبر و از تعالیم الهیه مطلع شد و اقبال نمود و شرح احوال خود را بحضور مبارک بآمریکا فرستاد و آرزوی تشرف بپلقای انور نمود و پس از تشریف فرمائی مبارک بلندن تدارک مجلس مخصوصی در دانشگاه آکسفورد نمود. حضرت مولی الوری پس از ورود بلندن پرفسور مذکور را ملاقات و در حق وی عنایت فراوان نمودند.

آهنگ بدیع

بدار فنا می فرستاد ولی با وجود این حضرتش در این مدت همیشه مسرور بودند و اینهمه ناملایمات را با ذکر خدا فراموش مینمودند .

هنگامیکه احبای خارجی بزیارت ایشان در زندان - مشرف می شدند و مراتب دلسوزی و همدردی خود را در مقابل تعدیات و فشار عاثیکه نسبت بایشان انجام می شد ابراز میداشتند حضرت عبدالبها آنها را - بآرامش و بردباری توصیه نموده و بآنها میفرمودند انسان باید در راه محبت و خدمت بامر مبارک ثابت و مستقیم باشد و چنانچه نظیر اینگونه امتحانات پیش آید با صبر و سکون تحمل نماید و می فرمودند حق در حقیقت زندانی نیستم زیرا " هیچ زندانی سخت تر از زندان نفس نیست " و از آنجائیکه قلب ایشان محل تجلی انوار الهی بود همیشه در بهشت برین زندگی میکردند . رفتار و کردار و زندگی حضرت عبدالبها از سادگی و روحانیت کامل سرچشمه میگرفت و این همان اخلاق و رفتاری است که حضرت مسیح هم با آن مزین بود البسه خود را از نازلترین نوع پارچه تهیه میفرمودند و سائله خویش نیز همین درس را می آموختند تا سرمشق اغنیا و مشوق فقرا باشند نغمه و آهنگ - دعا و مناجات صبحگاهی از طرف عائله ایشان همه روزه بگوش میرسید . برای اجتناب از عملی که امکان داشت موجب ایجاد تکلف در دیگران گردد از رعایت رسوم و تشریفات زاید خودداری می فرمودند و حتی در مواردی هم که رعایت این گونه اصول و مراسم ایجاب میکرد این قبیل تشریفات را بحد اقل امکان میرسانیدند در ۱۷ آپریل ۱۹۲۱ که قرار بود بعلت خدمات بسی آرایش و صاد قانه ای که بساکنین فلسطین در حیسن اشغال عثمانیها در موقع جنگ اول بین الملل انجام داده بودند عالیترین نشان افتخار را بمعظم لسه اهدا نمایند از شرکت در مراسم رسمی که از طرف اولیا امور ارتش ترتیب داده شده بود خودداری و از طریق معمولی در محل موعود حضور بهم رسانیدند و درحین که حضار بعلت عدم حضور ایشان در بهت

وحیرت بودند در موقع و محل معین در قسمتی از مراسم ضروری این جشن که بنام ایشان دائر گردیده بسود شرکت فرمودند . در یک موقع از قبول هدیه که یکی از دوستان تقدیم کرده بود خودداری کردند و فرمودند انسان باید آنچه را که خدا عنایت میفرماید قبول کند و از مواهب عالم خلقت استفاده نماید . ثروت بخودی خود مطلوب است ولی ثروتی که در راه خدا بمصرف برسد میفرمودند فقر عبارت از بی پولی نیست بلکه عبارت از محرومیت قلب انسانی از محبت الله میباشد .

حضرت عبدالبها بهر طریقی که مقدور میسر بود بابنا بشری خدمت میفرمودند . خوان نعمت او جهت دوستان دور و نزدیک گسترده بود و غالباً دوستان عزیز خود را شخصاً پذیرائی میفرمودند .

در موقعیکه حضرت بهاء الله بدر بزرگوارش در - کوههای خارج از عکا مقیم بودند با اینکه راه آن - چندان نزدیک نبود حضرت عبدالبها برای زیارت بدر بزرگوار خود با پای پیاده حرکت می فرمودند و هنگامیکه احبا سئوال میکردند چرا سواره نمیروند جواب میفرمودند حضرت مسیح این جبال را با پای پیاده طی فرموده اند من چکاره ام که جاده امیرا که حضرت مسیح پیاده عبور فرمودند سواره حرکت کنم .

ولی این فروتنی مربوط بضعف ایشان نبود بلکه دلیل بر قدرت و نیروی فوق العاده روحانی ایشان بود .

در موقعیکه طفل خردسالی از ایشان سئوال نموده بود چرا رودخانه ها عموماً داخل دریا میشوند فرمودند علتش اینست که خود را پست تر از دریا قرار داده و باین علت داخل دریا میشود حضرت عبدالبها این دستور حضرت مسیح را که میفرمایند ((تا مثل اطفال نشوید داخل ملکوت نخواهید شد)) توصیه و تاکید فرموده اند و میفرمایند که سجایای اطفال مربوط بضعف آنهاست ولی افراد بالغ باید سعی کنند تا این سجایا و مواهب را در پرتو توانائی کسب نمایند .

از بازوی چوبین کاری ساخته نیست ولی اهمیت شخص توانا و نیرومند در اینست که در عین توانائی از آزار

دیگران خود داری کند .

در توصیف سجایای اخلاقی حضرت عبدالبهاء شخصی چنین تعریف میکرد که ایشان همیشه حاکم بر اوضاع بودند در حین مسافرت با اروپا و آمریکا رویه اخلاقی ایشان نیز تغییر ناپذیر بود در آمریکا درحینی که در منزل یکی از احابا جهت صرف ناهار دعوت شده بودند شخص سیاه پوستی را که قبل از صرف ناهار زیارت ایشان آمده بود محبت فوق العاده نمودند مهمانند از ایشان شخص مذکور را بی شناخت ولی چون جزو مدعوین نبود قرار نبود که او هم جزو سایر مدعوین سر میز ناهار حاضر شود حضرت عبدالبهاء با آنکه طبق رسوم متداوله در غرب میدانستند که قرار نیست کسی جز مدعوین در صرف ناهار شرکت نماید از خانم مهمانند ارتقاضا فرمودند که ظروف لازمه را جهت مهمان تازه وارد بیاورند این عمل حادثه ای بود که هیچیک از مدعوین بفرگشتان نرسید که ممکن است در سر میز یک عده سفید پوست سیاه پوستی نیز شرکت داشته باشد ولی در نزد حضرت عبدالبهاء تعصبات نژادی وجود خارجی نداشت در سر میز ایشان همه ابناء بشری از نژادهای مختلف شرکت میکردند و همه از خوان نعمت او برخوردار می شدند . حضرت عبدالبهاء یک میهمان ملکوتی بودند و با انجام این عمل وحدت عالم انسانی را تعلیم فرمودند این ضیافت بدون اینکه ایجاد ناراحتی برای کسی نماید با نهایت مسرت و سرور زاید الوصفی بیایان میرسد . در سفر مغرب معمول به آن حضرت این بود که همیشه کیسه ای از پول خرد شده جهت اهدا به فقرا همراه داشته باشند . در شبی که در انجمن خیریه . . . نیویورک تشریف فرما شدند بیاناتی ایراد فرمودند که قسمتی از آن نقل میشود . مسرت امشب من زاید الوصف است زیرا ملاقات در استان خود نائل گردیده ام . شما جزو نژاد یکان بود استان من هستیید باید بدرگاه الهی شکرگزاری کنید که در ردیف فقرا هستیید زیرا حضرت مسیح فرموده است خوشحال فقرا و فرموده است خوشحال اغنیاء فرموده است ملکوت الهی از آن فقراست در این صورت شما باید مسرور باشید که اگرچه تهی دست هستیید ولی خوانان ملکوت در اختیار شما است حضرت مسیح نیز فقیر بود و تعلق باغنیانند داشت در ایام زندگی

حیات ایشان در بیابانها و در میان فقراتی می شد . از گیاهها صحرائی سد جوع مینمودند مسکنی نداشتند و حتی خشتی در اختیار ایشان نبود که سر خود را در بر روی آن قرار دهند مع هذا بفرگشت آوری ثروت هم نبودند افراد اولیه ای که بایشان ایمان آوردند فقرا بودند در این صورت شما هم جزو حواریون حضرت مسیح محسوب میشوید شهادتستان او هستیید و حیات شما شبیه بحیات او میباشد در این صورت باستان الهی شکر میکنم که ما را بغنای حقیقی مفتخر فرمود . در خاتمه تمنای من اینست که مراجرو خاد مین خود ببند بپرید .

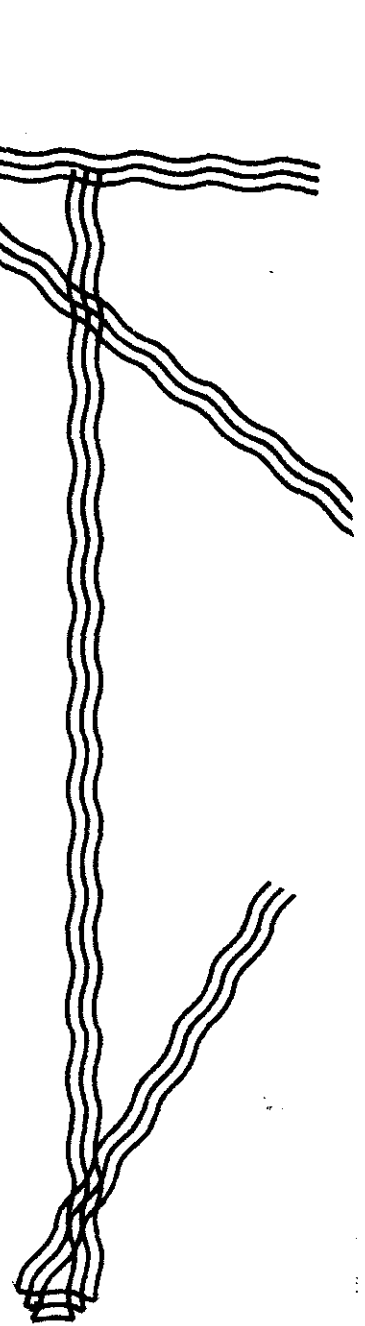
حضرت عبدالبهاء نه فقط با وقت بسیار حوائج مادی افراد را مرتفع می فرمودند بلکه نسبت بر رفع احتیاجات روحانی افراد انسانی نیز علاقه خاصی ابراز میداشتند . با سبب آن و قراولان و محافظین ایشان در دوره زندان در عکاد ربر تومحبت او خاضع و خاشع می شدند مردم میگفتند آیا در این شخص چه حقیقتی وجود دارد که دشمنان خود را تبدیل بدوستان خود میکند . در مقابل آنها تیکه نسبت بایشان دشمنی و عناد میکردند صبر و بردباری و سخاوت میفرمودند و معتقد بودند که افراد بد را نباید مورد تنقید و تحریف قرار داد و در مقابل ظلم و تعدیات آنها معامله بمثل نمود بلکه بالعکس در اثر پیروی از اصول محبت باید در آنها نفوذ و رسوخ نمود میفرمودند افراد خاطی در ربر تومحبت خالصانه و صمیمانه بموجودات پاک و مذهبی تبدیل میشوند . هر وقت که فکرت فرود در خود دیدید با نیروی محبت بر آن غالب شوید . دستور حضرت مسیح کسسه میفرمایند دشمنان خود را دوست داشته باشید از این نظر نیست که این دوستی جنبه تظاهر و فریب داشته باشد بلکه این دوستی موقعی مورد قبول آستان الهی است که صمیمی و بی آرایش باشد . انسان باید برای رضای خدا دوستدار افراد خاطی باشد مثل اطفالی که احتیاج به تعلیم و تربیت دارند باید با اصول محبت با آنها رفتار شود . حضرت عبدالبهاء تعلیم فرموده اند که با گناهکاران و ظالمان و دشمنان خونخوار مثل دشمنان خود معامله نمایند . متوجه اعمال آنها نباشید بلکه نظرتان متوجه خدا باشد الطاف و محبت حضرت عبدالبهاء دائمی و خالصانه و عفو او ما فوق تصور بود .

* * * *

علی اکبر شعری

ز سر مست

بیتبند که راه فرسوده دارد	نویسنده که دل بی تو سرداری دارد
تا با زنده چو چمن چو عیار دارد	خوش بود ایمه من پرده زرخ برداری
هر شوخ با بگدازد چو تگرگ دارد	خون شود دیده اگر غیر لغایت جوید
همه از نظر مستگیر تو تاز دارد	کی نیارش بسوی نافه تا مار بود
ز سر مست تو همه غمگینان دارد	چه عجب کردل و دین از من شوریده بوی
ببختی که اندیشه ز غم ز دارد	در هوای گل رخسار تو ای گلشن حسن
شکرین بزمی سر مستی نشاند دارد	ترک سر کفتم و پا در طلبت هشتم و دل
شاخه جان بدو که سرد کار دارد	سر کران است باز کس مست آری
چه بهر شام و چه ناله زار دارد	کوشه چشم سوی اشعری انداز شما



ایادی امرالله

میسین کهلر



ایادی فقید امرالله امه الله " میسین کیت رانسم کهلر " (۱) علیها رضوان الله را اغلب احبای ایران می شناسند ایشان در سال ۱۹۳۲ میلادی با مأموریت مخصوص بایران آمدند . در آن زمان نسبت بورود کتب و نشریات امری بایران سختگیری زیادی میشد . محفل مقدس روحانی ملی بهائیان آمریکا پس از مکاتبات زیاد با اولیای امور ایران برای رفع این محظور سسر انجام امه الله میسین کهلر را که در چین و ژاپن و هندوستان بخدمات تبلیغی اشتغال داشت - بنمایندگی از جانب خود بایران فرستاد . ایشان حامل نامه ای از طرف محفل ملی آمریکا بعنوان مقامات عالییه ایران بودند .

امه الله میسین کهلر متجاوز از یکسال تمام بهر وسیله ای متشبث شد با صادر امور ملاقاتها کرد بمقامات مسئول کشور نامه ها نوشت در بعضی موارد پاسخ مساعد شنید ولی هر بار پیش آمدی شد و سبیل

موفقیت را مسدود نمود ولی ایشان از پای ننشست و با همتی بلند و عزیزی راسخ اقدامات خود را بامید حصول نتیجه مطلوب دنبال مینمود و مرتباً راپرت مجهودات خویش را برای محفل ملی آمریکا ارسال میداشت .

امه الله میسین کهلر طی این مدت در کفرانسهای عمومی و جلسات احبا با بیانات شیوای خود مستمعین را - مستفیض مینمود و بباره ای از شهرهای ایران منجمله کاشان و اصفهان سفر کرد و احبای این نقاط را ملاقات نمود . ولی ناکافی وعدم موفقیت در انجام مأموریت محوله چنان در روح پاک و لطیفش تأثیر نمود و چنان این امه موقنسه را ضعیف و افسرده و ناتوان ساخت که چون در اصفهان دچار حصبه ای خفیف گردید تاب مقاومت نیاورد و در ظرف مدت کوتاهی جان بجانان سپرد .

ایشان مدت یکسال واندی در ایران توقف نمود و در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۳۳ در سن ۵۵ سالگی در اصفهان در جوار رحمت یزدان مقرر گرفت و صعودش قلوب یاران را در سراسر چین جریحه دار ساخت .

(۱) MRS. KEITH RANSOM-KAHLER

آهنگ بدیسع

المی الله محلم گردند و آگاه شوند زیرا بمقام ارجمند اولین شهید یاران غرب مفتخر و فائز گشت علمدار حزب مظلوم بود و ناصر حقیقی بی مثل و نظیر بندگان حسی قیوم در آن اقلیم مغبوط و محسود برادران و خواهران روحانی خویش در اقلیم غریبه گشت و روابط روحانیه یاران شرق و غرب را محکم و استوار نمود . حیات و - ماتش عرد و اسباب عزت و رفعت و نصرت امرالله و اعلا کلمه الله گشت .

و در توفیق مبارک دیگر خطاب به محفل روحانی اصفهان میفرماید :

" . . . همت و فعالیت و مهمان نوازی و حسن اقدام - اعضای محفل روحانی مدینه مبارکه اصفهان خصوصا و یاران ارض صباد و نقاط مجاوره عموما در این واقعه مؤلمه محزنه تسلیتی عظیم از برای این عبد گنبد بود آن ورقه زکیه و مبلغه فریده شهیره مشتعله قیسه نار محبه الله بود و نجم دری سما معرفت الله در - ایمان و عرفان مشارالینان بود و در نطق و بیان واقعه دلیل و برهان فائق بر اقربان و مغبوط و محسود بندگان و خادمان امر رحمن در جمیع ممالک و بلدان روح لطیفش بذروه علیین متصاعد گشت و در اعلی غرف جنان با حوریات قدس و طلعات فردوس محشور و موآنس شد ندای احسن احسن از اهل ملا اعلی و سکان رفرف بقا بشنید و با کلیل جلیل شهادت کبری و موهبت عظمی مفتخر و مکمل گشت تتباهی بها ارواح الطاهرات فی الجنه العلیا و بذکرها وینتی علیها عن وراثهم لسان الله الصادق الشاهد الممتع الفرید . . . "

* * *

جسد مطهرش حسب الامر مولای توانا ارواحنا لترتبه الفداه در جوار مرقدین شریفین سلطان الشهداء و - محبوب الشهداء دفن گردید و چندی بعد مرقد شریفش با هندسه ای بدیع ساخته شد که اکنون در شهر اصفهان مورد زیارت احبا و مسافران میباشد . علیها رضوان الله و بهائه .

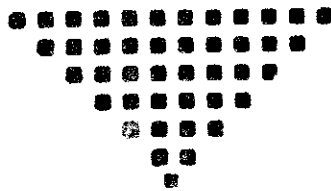
خبر صعود این خادمه شجاع امرالله بعرض - حضرت ولی امرالله ارواحنا فداه رسید و در جواب تلگرافات و توفیعات متعدده عنایت فرمودند که بسا زیارت آنها مقام شامخ ایشان روشن میشود . مولای توانا ارواحنا لعناياته الفداه میسوس کهلر را " اولین شهید جامعه آمیک " محسوب فرمودند و همچنین ایشان را بمقام شامخ " ایادی امرالله " مفتخر فرمودند .

ذیلا چند تلگراف و توفیق مبارک که مبین عنایات مخصوصه مولای توانا در باره ایشان است نقل میشود : " مورخه ۲۹ اکتبر ۱۹۳۳ توسط اشراقی روحانی اصفهان - تا سف و تحسیر بنهایت شدید راپرت - مفصل فوراً ارسال نمایند - نمایندگان مرکز مرقد را بکمال احترام زیارت نمایند - شوقی "

" . . . خبر صعود مبلغه شهیره میسوس کهلر بدرجه ثی اسباب تأثر و تا سف این عبد گشت که از وصف و بیان خارج - در تلگراف اولی باین مضمون " حای دلیر و منادی شهید امر رب قدیر از تنگنای ظلمانی باشیان روحانی مظفر و منصور عروج نمود - خدمات باهره اش از اعین غافلین در آن سرزمین مستور قدرش را ملا اعلی دانند رتبه شهادت راحائز گشت و در سلك ایادی امرالله محشور شد - محفل طهران البته جمعا باتفاق نمایندگان شیراز - کرمان آباده - یزد و بنادر جنوب مرقد شریفش را بالنیابسه زیارت نمایند "

در تلگراف ثانی تأکید گشت مرقد شریفش را در جوار رمس مبارک سلطان الشهداء قرار دهند و اگر چنانچه ممکن نه در نفس حظیره القدس اصفهان در بهترین غرفه ثی از عرفاتش استقرار دهند . فرمودند و تلگراف نیز خطاب به محفل روحانی اصفهان راجع به پذیرائی نمایندگان و بذل همت در تهیه وسائل تدفین بکمال اجلال و احترام ارسال گشت فرمودند البته - مخابرات تلگرافی این عبد را بین یاران ایران در جمیع ولایات فوراً انتشار دهند تا کل بر مقام رفیع آن متصاعده

وقت و مطالعات امریه



عبدالله سعادت نوری

چندی قبل در کفرانسی تشریف یافتم تا با صحبت خود مصدع اوقاتشان کردم سخن درباره لزوم تلاوت آیات بود و مطلع عرایض آیه ای از کتاب مستطاب اقدس که میفرماید - اتلوا آیات الله فی کل صباح و مساء ان الذی لم یتل لم یوف بعهد الله و میثاقه و جمال قدم جل ثنائیه در این آیه کریمه ضمن تاکید تلاوت آیات در هر صبح و شام سهل انگاری در این فریضه را دال بر بی وفائی بعهد و پیمان با خدا بیان فرموده اند و همین تحذیر کافیهست تا ما را قید بانجامش سازد و از دریای موج عرفان شرابه نسبت استعداد و درکی که داریم نصیب موفور بخشد - پس از اینکه عرایض در مدت - معینه پایان یافت ناظم جلسه برای ایجاد تنوع و سر حسب قرار قبلی پیشنهاد نمود تا چند نفر از حاضرین پاسخ گوی سئوالاتی شوند که بر اساس موضوع نطق تهیه شده است افرادی بپا خاستند و اسمشان - یاد داشت گردید سپس خانم ناظم از آقائی پرسید لطفا بفرمائید در منزل خود چند کتاب امریه دارید و سه جمله یا مطلب مهمی که از آنها در خاطر تان می باشد برای ما بیان کنید .

ایشان بلا درنگ گفتند گمان می کنم در حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ جلد کتاب داشته باشم طبعاً قیافه ها را تعجب فرا گرفت و بنده باتبسم عرض نمودم ببخشید آقا منکه تا حدی علاقمند بجمع کتاب هستم باندازه - تفاوت بین این دو تعداد تقریبی شما که فقط ۱۰۰ جلد می باشد کتاب امریه ندارم لطفا قدری فکر کنید مبادا اشتباه کرده باشید - در جواب گفت البته عرضم کتابهای امریه و آنچه را که بستگی بآن دارد مثل

تاریخ استدلالیه و کتب سایر ادیان می باشد ناظم جلسه ادامه داد اشکالی ندارد پس حالا چند جمله یا نکته ای را که استدعا شده است توضیح میفرمایند این دفعه آنجناب قدری تأمل کرد و سپس گفت واللله الآن چیزی که مهم باشد بیاد ندارم آخر شما را غافلگیر کردید در اینجا دیگر باقیها تلم شده و یکباره - خنده شدیدی براه افتاد ولی برای اینکه مبادا خدا نخواستہ متکلم را شرمندگی پدید آید گفتم الحق بین این سرکار خانم و آن آقا با مهارتی کامل این صحنه بوجود آمد و شوخی عبرت آمیز و جالبی بود و ما را تنبیهی نیکو حاصل گشت باین ترتیب آنرا بصورت یک مناظره فکاهی جلوه دادم و بلافاصله سرگرم پرسشها و - پاسخهای دیگر گشته و بقیه برنامه اجراء گردید اما از آن پس هر وقت این و آنمه بنظم می آمد چون سانسها دلخراش متأسفم می سانس تا روزی با یکی از دوستان عزیز مشغول مذاکراتی بودیم نمی دانم چه مناسبتی پیش آمد که ایشان فرمودند هنگامیکه دومین کفرانس قاره اروپا در فرانکفورت تشکیل یافت من با جناب پرفسور بوزانی که یکی از احبای دانشمند ایتالیا است و بزبانهای مختلفه تسلط دارد و بخصوص بابائیان ایران تماسهایی داشته رابطه یافتیم و از مصاحبت و روحانیت ایشان لذت فراوان بردم از جمله نکات مهمی که بصورت خاطره ای شفاف ولی دردناک از وی در ذهن دارم اینست که میفرمودند در امر مطالعه و مراد ۴ که شخصا با احبای کشورهای مختلفه بعمل آورده ام باین نتیجه رسیده ام که بهائیان مالک اروپائی با وجودیکه از لحاظ کتب امریه بصورت ترجمه و زبانهای

بقیه از ص ۱۳۰ (دیروز- امروز و فردا)

شده و انتظار او از همان زمان «ورهبان و ملل جهان را بحقیقت شاخصه و اصل «شرافت مقام انسانی» معطوف داشته و کیفیت ارتقا و نشوونمای جامعه بشری را از سپیده دم تاریخ و اینکه در حال حاضر جایگاه و موقف خاصی رسیده که توسل به «آشتی و صلح» و «اتحاد و پیوستگی» را غیر قابل اجتناب مینماید بیان داشته اند. محققین و متبعین فن تاریخ معتقدند که در آستانه «مراحل عظیم و تطوری در روش و اسلوب زندگی مردم نخست نفوس فداکار که از نظر وجودت ذهنی و قوت وحدت بصیرت برد یگران پیشی و سبقت دارند و بعلاوه حاضر و آماده» پذیرش رنج و بلا در راه تفهیم حقائق عالیه اند برخاسته و این نفوس در روند و کار بسیار قلیل و معدودند و لکن تمرور باعث جلب قلوب صافیه و عقول مستعد شده و سرچشمه اصلی نهضت های وسیع تاریخی میگردد در موقعیت فعلی عالم هم همه بالاخر جامعه شناسان یکدل و یکزبانند که مادر انتظار یک انقلاب و تحول عظیم میباشیم که در همه ادوار تاریخ از حیث عمق و قدرت اثر بی نظیر و بدیل است - این تحول را که اخیراً انشعاب آن نکتہ سنج باروشها و تحقیقات علمی و منطقی در ریافته اند قریب یک قرن پیش از لسان و قلم مظهر منتخب الهی و رهبر و رهنمای بزرگ جهان انسانی «حضرت بهاء الله» با وضوح و روشنی بیان و اخبار گردیده است. از آنجا که همواره نهضت های اجتماعی و روحانی عمیق و عظیم ملازم و همراه با تکان ها و ارتعاشات وسیعی در قالب و شکل جامعه بشری بوده که چه بسا در تانک و طاقت فرسان نیز میباشد لذا منظره جهان در آستان سیر سمت «مرحله» وحدت «مشکلاتی در پیش دارد و لکن مغرورگری از این سرنوشت محتمل که بقلم تقدیر الهی نقش گشته است وجود ندارد - این مشکلات و موانع بمثابه آتش سوزنده ای است که پلیدها و آلودگیها را میزداید و عناصر صلبه را بهم میگذارد و بیبوندند - اینست که هر ناظر بصیر در صحنه عالم امروز بخوبی شاهد «سکرات موت» تمدن منحط و ساقط گشته و «دروازه» مدنیت پر جلال و شکوه آینده است از گیسو کلفت خیالات بتلاش واپسین برداخته از جهت دیگر «نور هدایت» هر دم بر تلئلا» و درخشش خویش میافزاید و تاریکیهای جهان را - بتدریج محو و زائل میسازد.

پایان

محل محو و فقیرند (باستثنای زبان انگلیسی که تا اندازه ای غنی شده است) معدن کتب بحر و عمقشان در - معارف امریه بمراتب بیش از یاران مشرق زمین بالاخص ایران است که مهد امروده و غرق در ریایی انتهای مسارف ربانیه میباشد (البته شواهد مهم در این باره و روی برخورد با بعضی از نفوس بیان داشته بود) این بهائی ایرانی بقول خود شراد را آنجا به مجامله برداخته و مثلا گفته بود آخر هر کس چیزی را کمتر در اختیار دارد بهتر مورد استفاده قرار می دهد و بیشتر مراقبتش می نماید و آنکه خیالش از لحاظ کسرت و فراوانی راحت باشد قد ر نعمت - کمتر اند و باسانی از آنچه دارد بگذرد و . . . ولی ما خود اگر از حق نگذریم و بقضاوت عادلانه تسلیم نباشیم واقعا جناب پرفسور خوب تشخیص داده و بر راستی کمتر از این فیوضات روحانی و عنایات بی کران بزدانی بهره می بریم و آنطور که شایسته و سزاوار است نه بدقت و تمعن در آیات امریه می پردازیم و نه خالصانه اوامر را بکار می بندیم و - مشمول این بیتیم که میگوید :

میان آب حیاتی و آب می جوئی

میان گنجی و از فاقه در تکاپوئی

غرق در نعمت هستیم و قدر آنرا نمی دانیم در صورتیکه هر فرد بهائی باید بخوبی واقف باشد که ترتیل آیات و تلاوت کلمات - مطالعه کتب مفیده و بخاطر سپردن دقایق و جملات برگزیده آنها از یکسو عمل بفرائض و دستورات و بنکار بستن نصایح و اخلاقیات بشماره ای که در کون الواح و آیات مستتر است از طرف دیگر نمود ارخا لوص ایمان و صفای قلب اوست و همینهاست که وی را از کسانیکه فقط ناظر بقولند و بی اعتنا بخلق متاخری سازند و از لحاظ استدلال و بیان مسائل امریه و تاریخیه ای که ترویج و تبلیغ امر است مرد میدانش مینماید و باری منافع اجرای این فریضه بسیار است و محسنات آن بشمار لکن جوهر همه آنها اینست که انسان لیاقت پیدا می کند تا مجری این دستور عظیم و حکم عظیم حق گردد که میفرماید :

لقد صرنا مالک البیره بالاعمال الحسنه ثم بالحکمه والبیان .

(انتهی)

تاریخ و کیفیت نفوذ امریکه در کشور نروژ

« قلنا من الشرق من جهة الشرق وظهر في الغرب آثاره »

حضرت بهاء الله



ارلین محفل روحانی ملی بهائیان نروژ

در الواح عمومی و فرامین تبلیغی حضرت مولی الموری که در سالهای ۱۹۱۶-۱۹۱۷ یعنی در بحبوحه جنگ جهانی اول در دو مرحله از قلم معجز شیم آن مولای شفق خطاب بیاران آمریکا نازل شده حضرت عبدالبهاء سپاه نجات را نه تنهابه فتح ایالات و نقاط جدید در قاره وسیع آمریک و کانادا و آلاسکا و اعلان امرالله و سیر و سفر در آن صفحات و تبلیغ سرخ بوستان و اهالی اصلی آمریکا که بفرموده مبارک " مانند اهالی قدیمه جزیره العرب هستند " تشویق میفرمایند بلکه آن باسلان میدان خدمت را به هجرت و اقامت در ممالک و جزائر مختلفه غیر مفتوحه

در قارات خمره عالم نیز تشجیع و تحریص و تأییدات ملکوت ابهی و جلوس بر سریر عزت و بزرگواری را بآن خادمان جانفشان امرش وعده میفرمایند قوله الکریم :

" این نداجون از خطه آمریک باروب و آسیا و افریک و استرالیا و جزائر پاسیفیک رسد احبای آمریک بر سریر سلطنت ابدیه جلوس نمایند وصیت نورانیت و هدایت ایشان بافاق رسد و آوازه " بزرگواریشان جهانگیر گردد " پس از نزول این بشارت طلعت میثاق لشکر حیات را بفتح اقالیم بعیده و جزائر عظیمه واقع در اقیانوس کبیر و همچنین قاره استرالیا و افریقا و جزائر نیوزیلند و تاکانیا و کشور چین و ژاپن و روسیه آسیا و هند فرانسه و سیام و شبه قاره هند و سیلان و کشور افغانستان و بالاخره ممالک و اقالیم غیر مفتوحه در قاره اروپا مأمور نموده و فرامین تبلیغی حضرتشان را از قاره وسیع آمریک متوجه سایر قطعات کره ارض میفرمایند .

در لوح مبارک هفتم از الواح عمومی و فرامین تبلیغی دوره اول که در ۱۱ آپریل ۱۹۱۶ از قم اطهر نازل شده طلعت میثاق یاران الهی را باین بیانات اعلی به برافراشتن پرچم هدایت کبری در ممالک متعدد قاره مصیبت زده اروپا تشویق میفرمایند قوله المجید " پس ای احبای الهی همت کنید و خلاصه " تعالیم الهیه را بعد از این حدیث در جزائر بریطانیا و اقلیم فرانسه و آلمان و اطریش و مجر و روسیه و ایطالیا و اسپانیا و بلژیک و سویس و نروج و سوئد و دانمارک و هولاند و پرتقال و رومانی و سرب و جبل اسود و بلغاریا و یونان و اندورا و لیتچنمتین

آهنگ بدیع

که یکی از ممالک جزه اهداف نقشه تبلیغی یاران -
آمریک در اروپا است باستحضار خوانندگان عزیز میسرند .
از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۵۳ که بدایت آغاز
جهاد کبیر اکبر روحانی است جامعه بهائی امریک بوسیله
لجئه تبلیغ اروپائی خود کنفرانسهای سالیانه ای را -
همراه با مدارس تابستانه در ممالک دهگانه اروپائی
جزه اهداف نقشه بمنظور کمک بفعالیت های تبلیغی
یاران منعقد مینمود . این کنفرانسها بفرموده هیکل
اطهر آثار و نتایج غیر قابل انکاری را در پیشرفت امور
تبلیغی وتحکیم اساس امر و ازدیاد معلومات یاران -
الهی در این ممالک داشته است .

مهمترین این کنفرانسها از نظر یاران الهی در -
نروژ عبارت از کنفرانس سال ۱۹۵۰ است که درالسنیور
نزدیک کپنهاگ عاصمه دانمارک منعقد گردید و عموم
احباب عزیز اسلوموفی شرکت در آن شدند . هیکل
اطهر ضمن پیامهای مبارک خود کیفیت از عقاد ایسن
کنفرانسها ونحوه مشاورات و مذاکرات یاران را
راهنمایی و هدایت میفرمودند . در سال ۱۹۵۴ در
ظل نقشه جهانی دهساله یکی از کنفرانسهای
بین القارات در استکهلم عاصمه سوئد منعقد و اهدای
که باید تا سال ۱۹۶۳ بوسیله یاران و یاوران حضرت
بهاء الله فتح شود مشخص و معین گردید .

اهداف نقشه دهساله جهت جامعه بهائی نروژ
عبارت از تشکیل چهار محفل محلی و سپس تأسیس محفل
ملی مستقل آن کشور قبل از رضوان ۱۹۶۳ وتسجیل آن
در دوائر دولتی میباشد بدتأییدات متتابعه جمعال
اسبی و قیام بندگان درگاه تا رضوان ۱۹۶۱ چهار -
محفل محلی آن تأسیس گردیده و در رضوان ۱۹۶۲ محفل
ملی مستقل آن نیز در میان شورو سرور یاران بوسیله
وکلائی جامعه انتخاب و تشکیل گردید و اکنون تسجیل
این محفل ملی جدید التأسیس تنها هدف باقیمانده
از نقشه دهساله میباشد .

سابقه فعالیت های امری و تبلیغی در کشور نروژ
از سال ۱۹۲۷ آغاز میشود . در این سال امه الله المحتر

وکرسیکاو ساردینیا و سیسیلی و قبرس و مالتا و کریت -
وایلند و فاروایلند و شتلند ایلند و هیرائیدیز و ارکن
ایلند نشر دهید . در جمیع این ممالک مانند ستاره
صبحگاهی از افق هدایت بدرخشید تا حال بسیار
همت نموده اید ولی من بعد هزار مرتبه بر همت
بیفزائید و در این ممالک و پایتختها و جزائر ومحافل
وکنائس نندا * بملکوت اسبی کنید و دائره * همت باید
وسیع گردد هرچه وسیعتر شود موفقیت بیشتر گردد .
در دوران ولایت عظمی که یگانه آمال و آرزوی -

مولای توانا حضرت ولی امرالله اجرا و اتمام فرامین تبلیغی
حضرت مولی الوری و فتح اقالیم و نقاط غیر مفتوحه کوه
ارض بود مجاهداتی ثمر بخش از طرف ستاینندگان اسم
اعظم بخصوص یاران آمریک در قاره اروپا صورت گرفت
و در ابتدای نقشه هفت ساله دوم احباب آمریک -
یعنی سال ۱۹۴۶ بنا به امر و اراده هیکل اطهر
و برطبق نقشه تبلیغی جامعه آمریک در اروپا مهاجرین
عزیز آمریکائی در عواصم هریک از ده مملکت جزه -

اهداف نقشه یعنی ایتالیا سوئیس پرتغال اسپانیا
بلژیک هلند لوکزامبورگ دانمارک سوئد و نروژ مستقر
گشتند . در طول جهاد کبیر اکبر روحانی هیکل مبارک
کشور فنلاند را نیز باین ممالک دهگانه اضافه فرمودند
ولذا در رضوان ۱۹۶۲ یک عمود از اعمده دیوان عدل
الهی نیز در این مملکت برپا شده و جمعا یازده محفل
ملی مستقل در قاره اروپا تأسیس گردید .

از سال ۱۹۴۶ تاکنون ۱۵ سال از فعالیت مداوم و
خستگی ناپذیر چند هدی در قاره مصیبت دیده -
اروپا میگذرد و در طول این مدت بذره های افشاندن -
شده در اراضی قلوب بگلهای پرتراوتی مبدل شده که
انشاء الله و اراد در سنین آتیه اثمار بدیعه ای بیار
خواهند آورد . در این مقال مقصد آن نیست که شرح
کلیه مجاهدات و فداکاریهای یاران الهی و یافتوحاتی
که در قاره اروپا نصیب امرالله شده توضیح گردد
بلکه فقط بنحو اجمال تاریخچه و کیفیت نفوذ امرالله و
وقایع مهمه امریه در کشور نروژ واقع در شمال اروپا

آهنگ بدیع

حسب الامر هیکل اطهر در اسلو اقامت جست و بمسد د
تأییدات لاریبیه جمال قدم و راهنمائیهای مولای عزیز
به ترجمه آثار و کتب امری به لسان نروژی همت موفور
مبذول داشت و بقیه ایلم حیات را بکمال رضا وقف
خدمت باستان الهی نمود . قبل از اقدام به ترجمه
کتب امری تحصیل و تکمیل زبان و ادبیات نروژی مشغول
شد و در حالیکه بیش از پنجاه سال از عمرش میگذشت
در امتحان دانشگاه شرکت نمود . مشارالیهها جهت
ترجمه آثار مبارکه بلسان محدود نروژی بکمال همت
و مداومت لایلا و نهارا کوشا بود و بکرات اظهار مینمود
" هیچ وسیله ای برای توجیه این حقایق روحانی
بلسان نروژی وجود ندارد " مع الوصف در این اقدام
مهم بموفقیت های فراوان نائل آمد و پیوسته بکار ترجمه
مألف بود حتی در او اثر ایلم حیات که بعلت ورم
مفاصل بمرض فلج مبتلا شده و هر روز بیش از چند
دقیقه نمی توانست بکار ترجمه اشتغال ورزد از انجام
این خدمت ارزنده خود را کنار نکشید .

در سال ۱۹۴۶ یعنی آغاز نقشه هفت ساله دم
احبای آمریکا که لجنه تبلیغ ارویائی جامعه بهائی
آمریک فعالیت های تبلیغی خود را در نروژ که یکی از
کشورهای جزه اهداف در قاره اروپ بود آغاز نمود
بر اثر همت و جدیت مداوم یوهانا شوبارت تعدادی
از آثار مبارکه و کتب امری یعنی کلمات مبارکه مکتوبه
کتاب مستطاب ایقان - لوح اصل کل الخیر - مناجاتهای
مبارکه و الواح وصایای حضرت عبدالبها - بلسان نروژی
ترجمه و کتاب بهاء الله و عصر جدید علاوه بر ترجمه
چاپ گردیده و در یکی از کتاب فروشی های بزرگ اسلو
آماده فروش بود . سپس کتاب " هدف نظم بدیع جهائی
نازل از قلم مبارک حضرت ولی عزیز امرالله و کتاب
" جامعه بهائی " نیز بهمت این امه موقنه ترجمه
گردید لذا هنگامیکه مهاجرین عزیز آمریکائی وارد اسلو
شدند از نعمت راهنمایی ها و مساعدتهای ذقیمت
یوهانا شوبارت برای توسعه فعالیت های تبلیغی -
برخوردار و از برکت زحمات مشارالیهها قادر به ارائه

میس یوهانا شوبارت که از طرف هیکل اطهره " مؤسس
جامعه بهائی در نروژ " و " مادر افراد بهائی نروژ "
ملقب شده پس از طواف اعتاب مقدسه و زیارت مولای
محبوب اهلی بها با سلو وارد شد . مشارالیهها اصلا از
اهالی نروژ بوده و در سال ۱۸۷۷ در قریه کوچکی
موسم به ساند هرد (SANDEHERRED) واقع
در این کشور پای بعمره وجود گذشت و در ایام
طفولیت پدر خود را که ناخدای کشتی بود از دست -
داد و پس از مدتی اقامت در نروژ جهت ادامه تحصیل
در رشته پرستاری عان ایالات متحده آمریکا گردید .
در هنگام اشتغال بشغل پرستاری در اوربانا
(URBANA) واقع در ایالت ایلیسی نوی
(ILLINOIS) ندای امر الهی را بوسیله یکی
از بیماران خود شنید و چنان شیفته تعالیم مبارکه
گشت که برای مدت شش ماه شغل خویش را رها کرده
اوقات خود را بتمامه وقف مطالعه و تحقیق در امرالله
نمود تا اینکه در سال ۱۹۱۹ بوسیله میسز می
ماکسول (MRS. MAY MAXWELL) والده محترمه
امه البها روحیه خانم اطمینان قلب حاصل نمود و
بشرف ایمان و ایقان نائل میشود .

در سال ۱۹۲۷ یوهانا عان مرزوم خود یعنی
نروژ میگردد تا از مادر پیر خود مواظبت نماید . قبل
از ورود به نروژ افتخار تشرف باعتاب مقدسه و زیارت
مولی و محبوب نصیب میگردد . در مدت اقامت در
محضر مبارک همه روز هیکل اطهر بسئوالات مختلفه
او جواب عنایت فرموده و توضیحات لازمه را بیان -
میفرمایند . زیارت مولا و محبوب اهل بها اثری فراموش
نشدنی در روح و قلبش باقی میگردد و تا آخرین دم
حیات قوتی عظیم در سبیل خدمت باستانش باو بی بخشد
هیکل مبارک به مشارالیهها فرمودند در اسلو عاصمه
نروژ اقامت جوید و به تبلیغ امرالله مألف شود .
در آن ایام امراللهی در نروژ نفوذ نموده و آثار
بهائی نیز بزبان نروژی ترجمه نشده بود . یوهانا
شوبارت با وجود علاقه ای که بمراجعت آمریکاداشت

آهنگ بدیع

اشاره نموده بود .

یوهانا شوارت تا آخر ایام حیات خود تا هل اختیگ نکرد و فی الحقیقه از جمله کنوز ارض بود که ید قدرت الهی بر خدمت و نصرت امرش مبعوث فرموده و میفرماید .
در یازدهم مارچ ۱۹۵۳ هیکل اطهر توقیع مبارک ذیل را بوسیله منشی غربی خود بافتخار مشارالیهما نازل فرمودند قوله العزیز (ترجمه) .

” یوهانا شوارت بواسطه خدمات فداکارانه که در مدتی طولانی نسبت بامر الهی انجام داده بمقامی بس رفیع نائل شده است . مشارالیهما مادر یاران الهی تروژ و مؤسس جامعه بهائی در آن اقلیم میباشد . یوهانا شوارت بکمال جدیت و تحت شرایط دشوار بخدمت امرالله قائم و سالیان متمادی شعله امر الهی را به تنهایی در کشور تروژ روشن نگاه داشت و فی الحقیقه از نفوس نادرالوجود بود و تمامی وجود خود را وقف امر عزیز الهی و خدمت باستان مبارک نمود . تنها نسلی از آینده قادر خواهد بود خدمات گرانبهای او را که در چنین ایام سخت و بحرانی در تاریخ امرالله و در تحت چنین شرایط دشواری تقدیر درگاه الهی نموده است کاملاً درک کنند و اندازه گیرند حضرت ولی امرالله مایلند اهمیت مقام یوهانا شوارت را کاملاً روشن فرمایند زیرا او مؤسس جامعه بهائی در تروژ بوده و لذا مقام او از ینک مهاجر بالاتر است ”

بعلاوه در همین توقیع هیکل مبارک بیاران الهی که قصد شرکت در کنفرانس بین القارات استکلم را داشتند چنین دستور میفرمایند ” یاران عزیز که قصد شرکت در کنفرانس استکلم را دارند سعی مخصوصاً بذول دارند تا از طریق تروژ مسافرت نموده و مزار یوهانا شوارت را در اسلو زیارت نمایند ”

حسب الامر هیکل اطهر جم غفیری از یاران عزیز قاره آمریکا و کشور مقدس ایران و سایر ممالک اروپائی قبل از انعقاد کنفرانس بین القارات و همچنین بعد از ختم آن بر سر قبر آن کنیز با وفای آستان الهی اجتماع

آثار و کتب بهائی به مبتدیان خود بودند خدمات صادقانه این کنیز عزیز الهی و احترامی را که طرز رفتار و سکنات او در اسلو برای امرالله کسب نموده و بالاتر از همه جدیت و اهتمامی را که مشارالیهادر اجرای او امر هیکل اطهر مبذول میداشت به پیشرفت و تحکیم اساس امرالله در این کشور شمالی کمک فراوان نمود . یوهانا شوارت نه تنها خدمات گرانبهای روحانسی خود را بنهایت جدیت دنبال میکرد بلکه در دوران جنگ بین الملل هم داوطلبانه پرستاری و مواظبت از بیماران را نیز بعهده گرفته و این وظیفه مقدس را آنچنان با دقت و صمیمیت انجام داد که مورد تقدیر پادشاه تروژ اعلیحضرت هاکن واقع شد .

در مدت بیست سالی که یوهانا چراغ امر الهی را به تنهایی در کشور تروژ روشن نگاه داشته بود عبور و مرور مبلغین سیار و مشوقین اثرات فراموشنا شدنی در خاطر او باقی گذاشتند . مشارالیها با قلبی لبریز از سرور و بدون توجه بسردی هوای تاریکی شب و یا کسالت خود باستقبال آنان میشتافت و محبت عمیق و واقعی بهائی را نثارشان میکرد . در سال ۱۹۴۶ وقتیکه مهاجرین عزیز آمریکائی با سلو وارد شدند سرور قلب یوهانا بمنتها درجه رسید بخصوص در سال ۱۹۴۸ که اولین محفل روحانی تروژ در اسلو تأسیس گردید و یوهانا بعنوان رئیس محفل خدمات صادقانه خود را ادامه داد و در سال ۱۹۵۰ با اتفاق عموم یاران اسلو در کنفرانس تبلیخی اروپا که در السینور کینهاگ منعقد گردید شرکت جست . تا اینکه در دسامبر سال ۱۹۵۲ پس از مدتی کسالت و تحمل درد و رنج روح پرفتوحش قصد عروج بممالک آخری نموده و در یکی از بیمارستانهای اسلو دیده از عالم ادنی فروست و پس از انجام مراسم تکفین و تدفین بهائی در یکی از قبرستانهای اسلو بخاک سپرده شده اما سال بعد جسد او به قبرستان زیبائی که در حومه اسلو و در دامنه کوهی واقع است منتقل گردید یعنی همان محلی که مشارالیهادر وصیت نامه خود بدان

آهنگ بدیع

بصورت تشکیل محفل روحانی شهر برگن ظاهر و آشکار گردید. محفل مذکور در سال ۱۹۵۷ نمایندگان خود را جهت انتخاب اعضای محفل ناحیه ای ممالک اسکاندیناوی و فنلاند به استکهلم اعزام داشت.

در همین اوقات یاران الهی در اسلو و برگن بمدد مرحمتی هیکل اطهر جلت قدرته و تبرعات کریمانسه ایادی امرالله امیلیا کالینز علیها رضوان الله موفق به ابتیاع محلی جهت حظیره القدس در اسلو و همچنین قطعه زمینی مناسب بمنظور ساختمان حظیره القدس در برگن شدند. پس از تأسیس محفل روحانی برگن احبای عزیز آن مدینه عهده دار بسط و توسعه امرالله در شهر استوانگر (STAVANGER) که چهارمین شهر نروژ و سومین مرکز امری و در جنوب برگن واقع است گردیدند و بدین منظور امه الله امیلیا بومن که در مدت اقامت خود در برگن مسافرتهای تبلیغی بدانجا نموده و جلسات عمومی تبلیغی دایر کرده بود بدان صوب عزیمت و بکمال انقطاع و جدیت فعالیت های تبلیغی خود را بکمک یک بهائی بوی منفرد ادامه داد و با وجودیکه شهر مذکور نقطه ای مذهبی و مرکز تجمع و فعالیت فرق مختلفه و مبلغین و مبشرین مسیحی است موفقیت های شایانی نصیب گردید بطوریکه در سال ۱۹۵۷ علاوه بر اعلان امرالله به عده ای کثیر از اهالی شهر و حومه یک جمعیت بهائی مرکب از شش نفر در استوانگر و حومه آن هست لند (HETLAND) بوجود آمد.

در سال ۱۹۵۷ محفل روحانی ناحیه ای ممالک اسکاندیناوی و فنلاند تشکیل و تمهید مقدمات جهت تأسیس چهار محفل ملی مستقل در هر یک از این ممالک در رضوان ۱۹۶۲ بوسیله آن محفل آغاز گردید. جهت تأسیس محافل ملیه قبلا لام بود برطبق نقشه هیکل مبارک چهار محفل محلی در هر یک از ممالک اسکاندیناوی و فنلاند تأسیس شود. در سال ۱۹۶۰ محفل ناحیه ای از یاران الهی درخواست نمود کسه جهت تشکیل سومین محفل محلی در هر یک از این ممالک

کرده و به تلاوت مناجات و آیات مبارکه پرداختند. در سال ۱۹۴۸ همانطورکه در فوق مذکور شد اولین محفل روحانی نروژ در اسلو تأسیس شد و در سال ۱۹۵۰ سه نفر مهاجر آمریکائی مقیم اسلو کسه بکاشتن بذره های معرفت الهی در اراضی قلوب مشغول بودند این شهر را جهت ادامه خدمات خود در سایر میادین خدمت ترک کردند. در همین سال امه الله المنجذبه میسز امیلیا بومن (MRS. AMELIS BOWMAN) مهاجره عزیز آمریکائی بمنظور ادامه فعالیت های تبلیغی و تحکیم اساس امرالله با اسلو وارد شد (این مبلغه زکیه هنوز هم در نروژ ساکن و بکمال جدیت بخدمت قائم و مادر روحانی بسیاری از یاران الهی این اقلیم میباشد). اولین نقشه و هدف جامعه جدید البنیان بهائی در اسلو عبارت از ترجمه و تکثیر کتابی راجع بعهده و میثاق الهی "جهت کفرانس تبلیغی و مدرسه تابستانه یاران در کپنهاگ بود و یوهانا شوارت - بعنوان رئیس لجنه ترجمه آثار کمال همکاری را نموده و کتب دیگری نیز بوسیله این لجنه از انگلیسی بعهده نروژی ترجمه گردید.

محفل روحانی اسلو پس از تشکیل توسعه و تبلیغ امرالله را در برگن که دومین شهر نروژ است بعهده گرفت لذا در اکتبر سال ۱۹۵۲ امه الله امیلیا بومن (MRS. AMELIA BOWMAN) به برگن (BERGEN) عزیمت نمود تا اقدامات تبلیغی را در آن نقطه آغاز نماید. مشارالیه نطق هائی راجع بامرالله در مجامع و کلوب های محلی ایراد و یک جلسه هفتگی تبلیغی در یکی از هتل های شهر منعقد و اعلاناتی در روزنامه های محلی در خصوص امرالله چاپ نمود. نفوسیکه اعلانات مربوط بجلسه مذکور را خوانده و یا نطق این مبلغه منقطع را در مجامع استماع نموده بودند جهت تحقیقات بیشتر در این جلسات هفتگی شرکت می کردند. نتایج زحمات و مجاهدات این نفس خدوم در رضوان ۱۹۵۵

آهنگ بدیع

در نتیجه اقبال این افراد مهاجرین عزیز برگن قسادر بمراجعت بشهر خود شده و افراد تازه تصدیق افتخار عضویت در دو محفل رایافته اند . اکنون هدف اساسی در این دو نقطه مجاور هم آنست که بمدد تأییدات جمال قدم و همت یاران الهی عده دیگری از اهالی اقبال بامرالله نموده تسجیل گردند و هرچه زودتر جای مهاجرین ایرانی و آمریکائی را در عضویت محافل و خدمات امری بگیرند . علاوه بر چهار محفل محلی فوق الذکر در حال حاضر دو جمعیت بهائی و دوازده نقطه منفرد نیز در طول و عرض این کشور وجود دارد که انشاء الله وارد در سنین آتیسه با استمداد از تأییدات لاریبیه جمال ابهی و همت بندگان جانفشان درگاه به محافل روحانی محلی تبدیل خواهند شد . ناگفته نماند که خدمات امری و اقدامات تبلیغی یاران الهی بخصوص در این چند سال اخیر که راه راجعت تأسیس یک محفل ملی مستقل هموار نموده همواره از برکت مسافرت ها و زیارت حضرات ایادی امرالله و اعضای هیئت های معاونت ایادی و محافل ملیه سایر ممالک و همچنین مبلغین و مشوقین و ملحق نیرو و جنبشی جدید یافته و این مسافرتها و ملاقاتها سبب تحکیم اساس امرالله در نروژ گردیده است .

مقدم بر همه باید مسافرت آیت انقطاع و فخر المبلغین و المبلغات امه الله میس مارثاروت علیها بیهاء الله را ذکر نمود . آن شیدائی جمال ابهی در طول حیات خسو د و بارگه ارض را طی نموده و امر الهی را گوشه سازد سیاسیون و زمامداران و رجال عالم فرمود و بالاخره قلب علیا حضرت ملکه رومانی را بمشناطیس محبت جمال قدم برود . مشارالیه در ضمن مسافرتها تبلیغی خود در سال ۱۹۳۵ سفری هم به نروژ نموده ابتدا در شهر برگن و سپس اسلو توقف نمود . در اسلو عاصمه نروژ آن کنیز عزیز الهی موفق شد با پادشاه نروژ اعلیحضرت هاکن () در قصر او ملاقات و مصاحبه نماید و کتب و آثار امری را باو هدیه کند . ایادی عزیز امرالله امه الله در وتی بیکر علیها رضوان الله نیز چندین بار باین دیار مسافرت و اساس امرالله را تحکیم فرموده اند .

چهارگانه اشتراك مساعی نمایند . شهر استوانگر - بعنوان نقطه مورد نظر جهت تأسیس سومین محفل محلی نروژ انتخاب شد و در رضوان ۱۹۶۰ سومین محفل نروژ در استوانگر بمدد چهار مهاجر عزیز از برگن و یکی از دانمارک و دو نفر از یاران آمریک تأسیس گردید در حالیکه در حومه این شهر (هت لند) نیز یک جمعیت بهائی وجود داشت . محفل استوانگر بمحض تشکیل فعالیت های تبلیغی خود رابطرق مختلفه آغاز نموده و در رضوان ۱۹۶۱ نماینده خود را جهت انتخاب اعضای محفل ناحیه ای این ممالک به کانوشن منعقد در استکهلم اعزام داشت . در این هنگام محفل مقدس ناحیه ای از یاران رحمانی درخواست همکاری نمود تا در رضوان ۱۹۶۱ جمعیت بهائی هت لند یعنی حومه استوانگر را به محفل روحانی تبدیل نمایند تا مقدمات تشکیل محفل ملی مستقل در رضوان ۱۹۶۲ از هر جهت فراهم گردد . در نتیجه این درخواست یک نفر مهاجر بومی و فعال از اسلو و سه مهاجر عزیز از ایالات متحده آمریکا و یک نفر از آلاسکا و دو نفر از کشور مقدس ایران باین نقطه هجرت نموده و در رضوان ۱۹۶۱ بسا حضور تمام اعضا و امه الله مد ستاویدا MRS.

MODESTA VIDA عضو هیئت معاونت ایادی در اروپا و عضو محفل مقدس ناحیه ای محفل مذکور را بکمال صفا و روحانیت تشکیل دادند و تلگرافها و نامه های متعدده مبنی بر تبریک و تهنیت که شیوه یاران غرب است از محافل مختلفه محلیه و افراد احبا دریافت داشتند در حال حاضر دو محفل روحانی استوانگر و هت لند که در جوار یکدیگر قرار دارند در فعالیت های امری بخصوص اقدامات تبلیغی یعنی تشکیل جلسات عمومی و بیعت تبلیغ و اعلان در روزنامه ها و انعقاد جلسات مشترک کمال همکاری را مبذول میدارند و بمدد همین همکاری متقابل از رضوان ۱۹۶۱ تاکنون نتایج درخشانی از اقدامات و فعالیت های تبلیغی خود بدست آورده اند که مهمترین آنها اقبال و تسجیل ه نفر از افراد محلی و ابلاغ امرالله بقاطبه اهالی بوده است .

آهنگ بدیع

در نروژ يك مجاهدت و كوشش مداوم و دسته جمعی از طرف قاطبه یاران الهی از اجنلس و طبقات و ملیتهای مختلفه بكار رفته كه نموداری از روح همکاری و تعاونی است كه در جامعه جهانی بهائی وجود دارد . علاوه بر این مجاهدات تبلیغی اقدامات دیگری نیز جهت اشتهار و انتشار امرالله در این کشور از طریق اعلان در مجلات و روزنامه ها و نطق های رادیویی و نمایش آثار و كتب بهائی در كتابخانه های عمومی صورت گرفته و از هر موقعیتی برای شناسائی امرالله استفاده شده است .

در سال تشکیلاتی ۱۱۸ بدیع محفل مقدس ناحیه اقدام به تأسیس يك لجنه ملی تبلیغ در هریك از ممالك چهارگانه اسكاندیناوی و فنلاند نمود . لجنه ملی تبلیغ نروژ با داشتن پنج عضو در طول سال موفق به تشکیل سه کنفرانس تبلیغی در برگن و استوانگر و اسلو با معاضدت محافل محلیه این نقاط گردید كه بحمدالله بكمال موفقیت منعقد و اداره شده و سبب تزئید معلومات و اطلاع یاران بر نقشه تبلیغی قاره اروپا و آشنائی آنان بوظائف مهمه روحانیه گردید . لجنه ملی جوانان نروژ نیز تشکیل و فعالیت های خود را آغاز نموده است . مهمترین اقدام این لجنه تشکیل و اداره اولین مدرسه زمستانه بهائی جهت جوانان و مبتدیان آنان بود كه در ماه آپریل هذه السنه و مقارن ایام عید سعید رضوان در محل مناسبی نزدیک اسلو بكمال موفقیت و با حضور عده ای از جوانان عزیز بهائی از ملیت های مختلفه نروژی - دانمارکی - آلاسکائی - آمریکائی - ایرانی و دوستان غیر بهائی آنان منعقد گردید . همچنین لجنه ملی ترجمه آثار امری نروژ تاکنون موفق به ترجمه تعدادی آثار و كتب و جزوات امری و طبع و نشر آنها شده است . اخیراً نیز منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاء الله جلت عظمه كه مدتی قبل از انگلیسی به نروژی ترجمه شده بود بهمت د و نفر از یاران الهی و معاضدت سایر احبباً تکبیر شده و در اولین کانونشن ملی نروژ تقدیم حضور

همچنین ایادی امرالله جناب دكتر مولشلگل كه همواره مشوق و راهنمای احببای این صفحات و سه وضع امری ممالك اسكاندیناوی و فنلاند كاملاً آشنا هستند چندین بار بشهرهای نروژ مسافرت و در تشویق یاران و تحكیم اساس امرالله و تقویت محافل فی الحقیقه مؤثر بوده اند . ایادی عزیز امرالله جناب ذكرالله خادم باتفاق قرینه محترمه نیز مسافرتی با اسلو کرده یوهانا شوپارت و سایر یاران الهی را ملاقات نموده اند . همچنین جناب ایان سمپل (IAN SEMPLE) عضو هیئت معاونت ایادی اروپا در آپریل ۱۹۶۱ به نروژ مسافرت و در کانونشن ملی ممالك اسكاندیناوی و فنلاند شركت فرمودند . امه الله دروتی فررابی (DOROTHY FERRABY) قرینه محترمه ایادی امرالله جناب جان فررابی كه عضو هیئت معاونت در اروپا هستند نیز یاران عزیز نروژ را ملاقات و آنان را در خدمات تبلیغی معاضدت کرده اند همچنین امه الله مدستا ویدا (MODESTA VIDA) كه از بین احببای نروژ بمقام معاونت ایادی در اروپا انتخاب شده اند همواره در شهرهای این کشور و سایر ممالك اسكاندیناوی و فنلاند در سیر و سفرند و زیارت یاران و تشویق و راهنمایی آنان مشغول و مألوف . علاوه بر این نفوس برجسته عده دیگری از مبلغین و مسافرن بهائی از مهد امرالله و قاره اروپا نیز بزیارت یاران الهی در این دیار شتافته و تفحات طیبه آلهیه را نثار بندگان جمال رحمان و متحریران حقیقت نموده اند و این عبد در این مقال میتواند نام برخی از مشوقین و مسافرن ایرانی را محض تذكار یاد نماید . مبلغ و دانشمند عزیز جناب روح الله مهرلیخانی حساباً هیکل اطهر مسافرتی بممالك اسكاندیناوی و فنلاند نموده و زیارت احببای و ایراد نطق در جلسات عمومی موفق شده اند . خادم امرالله جناب حبیب ثابت و جنابان میثاقی و ارد شیرا ختر خاوری و همچنین جناب گرانفر مقیم آلمان نیز به کشور نروژ مسافرت و سه تقویت و تحكیم اساس امرالله كمك شایان نموده اند . بطوریکه ملاحظه میشود جهت استقرار اساس امرالله

آهنگ بدیع

محفل جدید التأسیس و بمدد تأییدات غیبیه جمال -
 ابهی نصیب امر غالب الهی در این کشور شمالی
 خواهد شد می نگریستند . اکنون محفل ملی نروژ
 اقدامات اساسی را آغاز نموده و بکمال اهتمام بانجام
 وظائف مهمه و اهداف روحانیه که مهمترین آنها
 تسجیل رسمی محفل ملی در دوائر دولتی و تحکیم
 اساس محافل محلیه و توسعه دایره اقدامات تبلیغی
 یاران و ترجمه آثار بهائی بلسان نروژی است قائم
 است .

حال بفرموده حضرت مولی الوری " این بدایت
 انبات است " و بدون شك در مستقبل ایام فتوحات
 باهره جدیده نصیب لشکر حیات در این کشور شمالی
 اروپا خواهد شد . انتهی

XX

... الحمد لله فیوضات الهی نامتناهی
 و آهنگ تعالیم ربانی در نهایت تأثیر و نیر
 اعظم در غایت اشراق و جنود ملکوت اعلی
 با کمال سرعت در هجوم زبانها از شمشیر
 تیز تر و قلوب از ضیاء کهربائی روشنتر و همت
 احبا فائق بر همتهای سلف و خلف و نفوس در
 غایت انجذاب و نار محبت الله در نهایت
 اشتعال . نین وقت و زمانیرا باید بسیار غنیمت
 شمرد دقیقه ئی فتور نباید کرد از راحت و -
 آسایش و نعمت و آرایش و جان و مال باید -
 منقطع شد . جمیع را فدای حضرت ملیک و جو
 کرد تا قوای ملکوتیه شدت نفوذ یابد و اشعه
 ساطعه در این عصر جدید عالم افکار و عقول
 را روشن نماید
 (مکاتیب حضرت عبدالبها . جلد سوم)

XX

یاران رحمانی گردید .
 انتشار این اثر قلم اعلی نه تنها سبب تزئید معلومات
 و آشنائی بیشتر یاران با تعالیم مبارکه و آثار جمال
 قدم میشود بلکه در موفقیت های تبلیغی آنان نیز
 بدون شك مؤثر خواهد بود .

در رضوان سال ۱۹۶۲ مطابق سنه ۱۱۶ بدیع
 زحمات و خدمات دسته جمعی یاران جمال رحمن
 به ثمر و نتیجه رسید و شجره امرالله که در مدتی
 قریب به ۳۵ سال با زحمات فراوان و مجاهدات مداوم
 بنندگان آستان در کشور نروژ غرس شده و آبیاری و -
 مواظبت گردیده بود ثمره بدیعه خود را بیار آور دو
 تشکیلات اداری بهائی در این اقلیم با کلیل جلییل
 محفل مقدس روحانی ملی که یکی از اعمده دیوان
 عدل الهی است مکمل گردید . در اولین کانونشن ملی
 یاران نروژ که بدون شك در مستقبل ایام اهمیت -
 تاریخی خواهد یافت جمعی از شیفتگان جمال رحمن
 و مهاجرین عزیز و وکلای جامعه و همچنین دو نفر از
 اعضای هیئت معاونت ایادی حضور داشتند و همه از
 محضر ایادی عزیز امرالله مقیم ارض اقدس جناب جان
 فررایی حظ فراوان بردند و سرور بی اندازه یافتند .
 نامه های تهنیت و تبریک که حاکی از محبت حقیقی
 و ارتباط واقعی بین شرق و غرب عالم بهائی بود از -
 حضرات ایادی امرالله و قریب ۳۰ محفل از محافل
 ملیه و ناحیه ای واصل شد که در عموم مجتمعیین
 بخصوص احبای تازه تصدیق تأثیری عجیب بجسای
 گذاشت . پیام حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس
 که حاوی بشارت مهیج و مسرت بخش بيشرفت سریع
 امرالله در اقطار شاسعه عالم بود روحی تازه و فرحی
 بی اندازه در یاران بدید آورد و دریم دم که
 موقع انتخاب اعضای اولین محفل روحانی ملی مستقل
 نروژ بود سرور قلب خادمین درگاه باوج اعلی رسید
 و همه شادی کبان و تبریک گویان شاهد بشمر رسیدن
 زحمات و مجاهدات خود بودند و با چشمانی مشتاق
 و امیدوار بآینده درخشانی که در ظل هدایت این

یک خاطره جالب

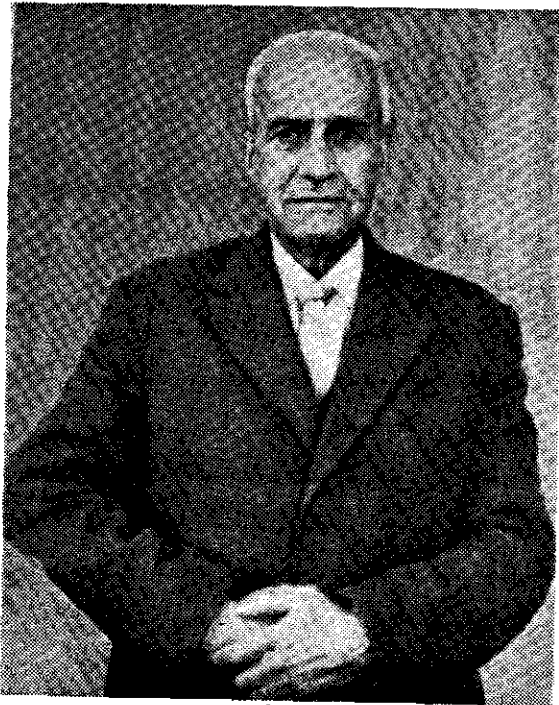
شکرانه ارقی ارستانی

میکردیم گفتیم برای ما بینه و شب در بیاورید گفتند یواش یواش غذا بنورید عادت خواهید کرد و بالاخره پس از چندی به خوردن غذا عادت کردیم هفت دست لباس درویشی برای ما تهیه نمودند و گفتند هر کدام شما بروید در وطن خود و قضیه قلعه شیخ طبرسی را - تعرف کنید حاج میرزا حیدر علی میگفت وقتیکه من به اردستان رسیدم نصفه های شب بود رفتم به درب - منزلتان رسیدم دق الباب کردم مادرم گفت کیست گفت حیدر علی است درب را باز کن مادرم گفت درب را باز - نمیکم تو رفتی و در راه حق شهید بشوی چرا مراجعت کردی گفتم مادر درب را باز کن من لخت میشوم تو بدن مرا ملاحظه کن اگر شهید شده بودم قبول کن و اگر نه - هرچه تو میتوانی درست است من وقتیکه لخت شدم و بدن سوراخ سوراخ شده ام را ملاحظه کرد گفت پسر م شیرم را هلاکت کردم . و ضمناً میرزا حیدر علی به بنده فرمودند پسر جان روزی خواهد آمد که شهرها بهم نزدیک بشوند و از هر شهری حرف بزنند شهر دیگری خواهد شنید یک ریسمان بین شهرهای عالم خواهند کشید و وسیله آن ریسمان صحبت خواهند کرد و نیز فرمودند از هوا آدم بالدار فرود میآید من در آن زمان نیستم اما شماها خواهید بود و - این مطالب را ملاحظه خواهید کرد والسلام (۱)

(۱) خوانندگان عزیز مسلمات توجه فرموده اند که کلیات مسائل تاریخیه مذکور در این خاطره با مطالب - منعکسه در تواریخ امریه مطابقت دارد و البته جزئیات آن مسووعات شخصی نویسنده محترم است.

بنج الی شش ساله بودم روزی بحمام رفتم " البته در اردستان " حاج میرزا حیدر علی بقیه السیف ^{اصحاب} ما نزد ^{را} نیز در حمام بودند دیدم تمام بدن و دستهای ایشان سوراخ سوراخ است گفتم حاجی این سوراخها چیست فرمودند چون توجه هستی این مطالبی را که میگویم بخاطرت بسیار . مادر قلعه شیخ طبرسی بودیم یاران ۳۱۳ نفر بودند و قوای دولتی از عهده ما برنمیآوردند آنها به نیرنگ متوسل شده قرآنرا مهر نمودند که ما جنگ نداریم حضرت قدوس فرمودند اینها شکر قرآن خواهند شد و بشما حمله خواهند کرد لیکن شما جنگ نکنید فرمودند همه شمارا شهید خواهند کرد مگر - تعداد ۷ نفر که بایستی جریان قلعه شیخ طبرسی را نقل کنند تا در تاریخ نوشته شود فرمودند هر کس - مایل نیست گذشته بشود برود ما گفتیم آمده ایم این خون ناقابل را براه حق بریزیم بالاخره پس از آنکه چند شبانه روز گرسنه و تشنه جنگیده بودیم چون قرآنرا مهر نموده بودند دست از جنگ کشیدیم و - مشغول خوردن گذاشتیم که ریختند و همه را شهید نمودند بعد اینه یکی یکی نعشها سر میزدند و سرها را میبردند ما تا شش روز تمام در میان نعشها جرات نکردیم نفس بکشیم بعد از شش روز سررا بلند کردیم ملاحظه شد که آدی زاد در آنجا وجود ندارد و از بوی خون و تعفن نعشها نمیشود زندگی کرد هفت نفری رفتیم در داخل جنگل و هفت ماه تمام در داخل جنگل علف خوردیم بعد از هفت ماه یک نفر از احباب ما را پیدا کرد و ما را بمنزل خود برد و غذائی تهیه کرد و ما قاشق را تا دهان میآوردیم از بوی غذا استفراغ

جناب حسن نوش آبادی



جناب آقا میرزا حسن نوش آبادی رحمانی در قریه نوش آباد از محال کاشان بدنیآ آمده است اسم والدش لطفعلی و نام مادرش ^{حلیمه} خاتون بوده است که هردو با مر مبارک ایمان داشته و از اجله مخلصین بشمار میآمده اند پدرش از اهل زراعت بوده ولی نظریتمسک شدیدی که با مرالله داشته مایل بوده است که پسرش با سواد شود و در مراحل علم و عرفان ترقی کند لهذا اول او را نزد زنی از مکتب داران محل فرستاد تا خواندن قرآن را در مکتب فرا گرفت و بعد پیش بعضی از ملاهای معروف قریه کتاب گلستان سخدی و حافظ و ترسل را آموخت سپس نزد ملا احمد ناهی کتاب نصاب صبیان و مختصری از مقدمات عربی را تحصیل کرد و چون خود نیز شوق فخرطبی بکسب دانستش داشت هر زمان که یکی از مبلغین قریه نوش آباد وارد میشد او را

آرام نمیگذاشت و بی دربی سئوالات ادبی میکرد و از بهائیان با سواد نیز که گاه بگاه با آنجا میآمدند استفاده مینموده در سال و سالی که بنظر سنه ۱۳۲۲ قمری بوده است پدر و مادرش بفاصله یک هفته وفات یافتند و او آنوقت طفلی سیزده ساله بوده که یتیم و بیکیس شد مدتی بهمین نحو سپری گشت تا وقتی حضرت آقا میرزا مهدی اخوان الصفا که از مشاهیر مبلغین و اهله منقطعین بود وارد نوش آباد گردید و آن آیت اخلاص و ایمان خواهشش نوش آبادی را پذیرفت و در سفرهای تبلیغی با خود همراهش کرد و این دو سبب داشت اول اینکه آن مرد جلیل بجد مایل بود که اطفال و جوانان با استعداد بهائی در شئون امری ترقی کنند دوم اینکه در مسافرتها برای تحریرات و خواندن آیات بمعاضد خوش لحن و خوش خط احتیاج داشت باری از آن زمان نوش آبادی با اخوان الصفا همسفر شد و مدت چهار سال در بسیاری از شهرها و قریه ها با هم گشتند و این مسافرت و ملازمت برای جناب نوش آبادی بسیار مفید واقع شد بدینمعنی که از طرفی بخلق و خوی ملکوتی اخوان الصفا پرورش یافت و از طرفی راه و رسم تبلیغ را بیاموخت و از طرف دیگر بحفظ کردن آیات و الواح و اخبار و اشعار پرداخت و فرصتی بسیار نیکو برای ازدیاد معارف امری و استدلالی بدست آورد. نوش آبادی در اثنای این مسافرتها چهار ساله در بعضی جاها نظر باصرار احباب و موافقت جناب اخوان الصفا برای تدریس در مدارس تازه تأسیس بهائی مدتی کوتاه میماند و بعد بایشان پیوست باری پس از چهار سال با کسب اجازه از اخوان الصفا جدا شده بقصد ملاقات اقوام و دوستان از همدان بکاشان رفت و در نیت داشت که پس از انجام ملاقات دوباره برگردد ولی دیگر ممکن نشد چه که مدتی در اطراف کاشان برای تبلیغ و تشویق احباب سفر کرد و بعد حرکت نمود تا بخدمت ایشان شتابد اما چون بسططان آباد عراق رسید احباب خصوصاً جناب آقا میرزا آقاخان قائم مقامی مانع شدند و بجنا

آهنگ بدیع

بایران مراجعت کرد و باروحی جدید و نیروئی تازه بخدمت امر مشغول گردید و ضمن موفقیتها و مسافرتها و اقامتها هنگامیکه در شیراز سر میبرد و همان اوقات مسلمین یسزد تهمت قتل باعضای محفل روحانی بستند نوش آبادی هم از شیراز بیزد احضار و هشت ماه در آن شهر و چهارده ماه دیگر در طهران زندانی شد تا وقتیکه در محکمه برائت ایشان ثابت و مستخلص گردید و بخدمت قبلی اشتغال ورزیده ضحایا باثباته خانم صبیبه جناب آقا میرزا محمد ثابت شرقی ازدواج نمود و بنحو سابق گاهی در مشهد و گاهی در کرمان و گاهی در نقاط دیگر ایران بخدمت روحانیه اشتغال میورزید و در حدود پنج سنه قبل مقیم شیراز گشت و کمافی السابق بدون وقفه باوصف ضعف مزاج و ابتلای بعرض قند بدیوان الهی بندگی میکرد تا اینکه در زمستان سال ۱۸ بدیع بستری شد و چون بر اثر مداوا قدری بحال میآید با مورروحانی از تبلیغ و تدریس مشغول میگشت تا اینکه شبی در جلسه محاوره بی برائت سکنه قلبی بی هوش گردید فی الفور جنابش را بمریضخانه نمازی بردند و بمعالجه برداختند تا بهوش آمد ولی حملات شدیدیه مرضی او را بعد از سه روز از پای در آورد و صبح جمعه سیزدهم بهمن ماه ۱۳۴۰ شمسی موافق -

یوم المسائل من شهر السلطان سنه ۱۸ بدیع بطکوت الهی صعود کرد و جسد شریفش با اعزاز و اکرام تمام در گلستان جاوید مدفون گردید مدت خد ماتش از نجله -

سال متجاوز بود و بیست و سه سال تمام مخارج حضرتش را جناب میرزا آقاخان قائم مقامی علیه رضوان الله از کیسه فتوت میبرد اخت و بعد که در امور مادی آن بزرگوار خلی بهم رسید محفل مقدس روحانی ملی شید الله ارکانه مصارفش را تکفل فرمود . از جناب نوش آبادی يك همسرو يك پسر و يك دختر باقی ماند همچنین آثار قلبی چندی از ایشان بیادگار ماند که بعضی آنها منتشر گردیده است و شرح مفصل احوال جنابش در جلد ششم مصابیح هدایت درج گشته که انشاء الله بموقع خود منتشر خواهد گردید .

اخوان الصفا تلگراف کردند که وجود نوش آبادی در اینجا لازم است مختصر نوش آبادی از آن بیعد مفردا بخدمت امرا لله قیام نموده و تا آخر عمر باین سعادت نائل بود و چه بسا قدمهای بلند و موثر در ترویج شریعت الله برداشت و چه بسیار موفقیتها که حاصل کرد زیرا این شیر خورده ازستان محبت الله و دست پرورده حضرت اخوان الصفا دارنده اخلاقی ملاسیم و معتدل بود و در برخورد با مبتدیان حلم و حوصله بسیار بخیر میداد و در مذاکره روشی پسنیدیده داشت لهذا موفق به هدایت بسیاری از نفوس گردید که جناب آقا سید عباس علی اعلی الله مقامه و جناب آقا سید رضا بجنوردی از آن جمله اند و نیز در هر کجا که سکونت داشت آنی از تدریس و تربیت جوانان و اماء الرحمن و تذکرات سودمند بدوستان فارغ نپی نشست و آنگاه در میان پاره بی از احباب اختلافی پیدا میشد سعی وافی در فرونشاندن غبار آن اختلاف مبذول میداشت و چون نیتش خیر و نفسش گرم و قلبش پاک بود از مسامحی خود نتیجه میگرفت . از جمله مواهبی که نصیبش گشت این بود که در سنه ۸۰ بدیع که مقیم مشهد بود اذن تشریف حاصل کرد و چون از آن مدینه خارج و به کعبه مقصود عازم شد در بسیاری از شهرها و قصبات بین راه چند روزی بملاقات احباب و اعلای -

کلمه الله گذرانده در بهار سنه ۸۱ بارض اقدس وارد شد و چون حضرت ولی امر الله آن اوقات بقصر تابستانی تشریف برده بودند حضرت ورقه مبارکه علیا او را مدتی نگهداشتند و نهایت عنایت در حقش مبذول فرمودند سپس او را به سر روانه داشتند تا بترمیم خرابکاریهای آواره که بتازگی از جامعه امرا لله رانده شده بود ببرد آزد . نوش آبادی این مأموریت را با حسن وجهی انجام داد و چون حضرت ولی امر الله بحیفا مراجعت فرمودند او را احضار و از لقای مبارک خویشش برخوردارش فرموده پس از اظهار عنایات لانهایسه و بیخامهای تبشیر و انذار مرخص کردند و بحسب الامر مبارک از راه بیروت و اسکندرونه و حلب و بغداد -

بیادیک مبلغ منقطع

اشعار ذیل را دوست ارجمند جناب ابوالقاسم جواد پور در اثر علاقه قلبی و تعلق خاطر می که تبصا عدالی آن جناب نوش آفر
داشته اند تحت تاثیر احساسات تاثیر آمیز ناشی از صعود آن باشه نغمات الهه سروده اند.

<p>روح در سینه عیار در جیب بشماره جیب آن کجا سفر کرد بناست اندر عهد بدیست عشق عرف در جیب باشد فاعل از عیب جانب سخنان داد و در راه رضایم که حقیقت کوشش زین عالم دگر در عمارت عفت می عیب زد آن روح پاک جانب «عفت محبت» است</p>	<p>بیطور کینه کوی که جان از کار بناست در جان زینت و نور از اصرار بناست قضا بر دم کف ازین بناست پیروزه سپهرین عیب کوه دریا بقدر نیست با بارین دانه که هر نفس شد زین بار بناست نشین بر این سر راه بناست شیرین سخن آن سر در ابرار</p>
--	--

چشم بر بست از جهان جان از تن حجاب رفت بود بر این ناتوان پیوسته آب زنگی



اعضاء لجنه جوانان بهائی اراك



اولین کانوشن سالیانہ محفل روحانی ملی برزیل با حضور ایاد ی امرالله جناب فروتن علیہ بہاۃ اللہ
ریود وژانیرو - آپریل ۱۹۶۱

طهران

حسام نقیانی

شهرنانهاد که انراخلوت درمخا نامیدند بعد روی
آغا محمدخان قاجار بعلت نزدیکی بایل خود دراسترآباد
بسال ۱۷۸۸ میلادی (۱۲۰۰ هجری) آنجارایباید تختی
خودانتخاب کرد و مردم شهرری خانه های خود را -
ویران و آجرهای بزرگ و بخته آنرا برای فروش بطهران
حمل میکردند (۲) و نیز آغا محمدخان پس از فتح شیراز
قصر کریم خان را خراب و با مصالح آن کاخ گلستان و
نیز میدان لرك را بساخت و قبر کریم خان را نبش نموده
سراورابطهران آورده در زیر پله های کاخ مدفسون
ساخت تا هر روز که از آن پله ها بالا و پائین می رود
سراورا لگد مال کند (۳) در این زمن جمعیت طهران
۲۰ هزار نفر بود . بعد لژی فتحعلی شاه قصور دیگری
بساخت و مسجد شاه طهران را بنا نمود و امام جمعه شی
برای آن برگزید که اخلاف او تابحال بفرمان شاه وقت
باین مقام رسیده اند . فتحعلی شاه در کاخ گلستان
تخت زرینی برای سوگلی خود طاووس خانم بساخت که
حالیه بهمین نام مشرف و در آن کاخ موجود است .
ناصرالدین شاه پس از مسافرت از فرنگ با خراب کردن
حصاری که اداری طهران کشیده شده بود خندقهای
مجاور آنرا بر نموده بر وسعت شهر بیفزود و خیابانهای
ناصریه لاله زار چراغ گاز (۱ میر کبیر) و غیره احداث
نمود و بتقلید از مملک اروپائی باغ وحش بوجود آورد و
اقدامات دیگری نیز بعمل آورد و قسمتی از زمینهای
اطراف طهران را برای ساختن سفارتخانه بدولتهای
انگلیس ترکیه آلمان و بلژیک بخشید و کاخهایی در -

ری از شهرهای بسیار قدیمی و از مراکز جمعیت ایرا
بود نام او در اوستارگه (RAGHA) و در سنگبسته
بیستون رگا (RAGA) آمده است . این شهر برای
زردشتیان و ایرانیان جنبه تقدس داشت زیرا مادر -
زرتشت از این شهر بود و مرکز روحانیت زردشتیان بشما
صرفت و آتشکده بزرگی در آن قرار داشت و مرموسد
بزرگ بنام مه منان بود (نظیر واتیکان مریسپ)
جغرافی دانان این شهر را بنام شیخ البلاد ام البلاد
و عروس البلاد خوانده اند وقایع زیادی در آن اتفاق
افتاده و بسال ۲۲ هجری اعراب آنجا را گرفتند و در زمان
خلقا شورشهای زیادی در آن برپا گردید که همه
سرکوب شد (۱) .

شهرری در زمان حمله چنگیز و تیمورنگی ویران و با
خاک یکسان شد و آتش شهر کهن سال بویرانه بی بدل -
گردید و دیگر نتوانست بصورت اولیه در آید ولی بجای
آن طهران رو با بادی نهاد . طهران که سابقا یکی
از قرای شهرری بود و در زمان ساسانیان ساخته شده
بود بتدریج آباد گردید یا قوت حموی مینوسد که منطقه
بی اهمیت است که دارای آب و هوای ناسازگار بوده و
مردم آن در دالانهای زیرزمینی بسر میبردند حمد الله
مستوفی نفوس آنرا پیش از زمان اعراب ذکر میکند زمان
صفویه مختصر آبادانی در آن پدید آمد و شاه طهماسب
حصاری برگرد آن کشید و محل تفریح و شکار درباریان
بود . بسال ۱۷۲۳ میلادی افغانه آنجا را گرفته ویران
کردند کریم خان زند محلی برای سکونت خود در این

(۱) (۲) سالنامه دنیا شماره ۱۶ (۳) تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در عصر حاضر جلد اول از سعید نفیسی .

آهنگ بدیع

شمیران صاحبقرانیه اقدسیه و نیاوران بساحت - پس از قتل امیر کبیر قسمتی از منزل او بتکیه دولت - تبدیل گردید که در ایام سوگواری از طرف دربار مراسم عزاداری مانند روضه خوانی سینه زنی زنجیر زنی قهقه زنی و شبیه سازی (تعزیه) در آن برپا میشد . از محله های معروف آن زمان عود لاجان باقابق باضار سنگلیج و از میادین مشهور میدان توپخانه و میدان اعدام را میتوان نام برد در میدان اعدام میرغضبان در برابر مردم محکومین با اعدام را سر بریده و سپهرناز شست خود را از جمعیت میگرفتند . از دروازه های - مشهور طهران دروازه دولت دروازه شمیران دروازه شاه عبدالعظیم دروازه خراسان و دروازه قزوین میباشند اعیان و رجال دوره قاجاریه های بزرگی در اطراف طهران داشتند که بنام خود آنها نامیده میشد مانند باغ علاء الدوله باغ سپهسالار بارخان امین الدوله پارک ظل السلطان کامرانیه منیریه و غیره (۱)

پس از شهریور ۱۳۲۰ شمسی بر اثر هجوم مردم شهرستانها طهران بوضع سرسام آوری بزرگ شد و ظرف ۲ سال گذشته از نظر وسعت و جمعیت چندان برابر گردید و کاخهای متعدد و عمارات زیادی جهت وزارتخانه ها و دوائر دولتی و مؤسسات ملی و کارخانه ها مختلف بوجود آمد که از جزئیات آن صرفنظر میشود و اکنون جمعیت طهران را در حدود ۲ میلیون نفر تخمین زده اند .

از اماکن و بناهای قدیمی طهران غیر از مسجد شاه که زمان فتحعلیشاه ساخته شد مسجد عالی سپهسالار است که توسط میرزا حسینخان مشیرالدوله طبق به سپهسالار ساخته شد و عمارت مجلس شورایی نیز منزل او بود که نمایندگان دوره اولیه مجلس خریداری کردند . دیگر از امکنه تاریخیه مدرسه میرزا صالح واقع در باضار است که حضرت بابالباب اولین مشرو و مبلغ امر بدیع در آن بنا به

تبلیغ و مذاکرات اشتغال داشتند و توقیعات حضرت اعلی را به محمدشاه و حاجی میرزا آغاسی رسانید و با جمعی از اعظام در آن محل صحبت نمود همچنین منزل محمودخان کلانتر است که محل توقیف جمعی از بابیه از آنجمله جناب طاهره بوده است (۲) و بعضی از امکنه مهمه دیگر که شرح آن موجب طول کلام است . جمال قدم مدت بمطرح در زندان طهران با جمعی از اصحاب در زیر زنجیر قره کهر مسجون بودند در این سجن بود که قلب مهر آن محی رم محل نزول وحی و مهبط الهام غیبی گردید چنانکه در یکی از الواح مبارکه پس از ذکر وقایع زندان میفرمایند قوله تعالی (در شبی از شبها این کلمه علیا در عالم رؤیا از جمیع جهات اصفا شد انانضربك بك و بقلمك لاتحزن عماورد عليك و لاتخف ائک من الامین) .

در طهران وقایع بسیار ناگوار و جانگدازی رخ داده که در هر دفعه لطایف زیادی بر بیکر امر وارد آورده و خونهای زیادی ریخته شد و خانها آنها را بر باد زفت و بسیاری از میادین گردشگاهها و دروازه ها شاهد و ناظر جانبازیهها و فدائریهای شهدای اولیه امر بوده اند . در محل سبزه میدان فعلی که قبلا بنام تخته بل نامیده میشد و محل اعدام و مذبح انصام بود مردم سلیطانخان را در حال شمع آجین با طبل و دهل و خرس و میمون استقبال کردند و این نقطه شهید شهدای سبزه طهران است که بفرمان امیر کبیر شهید شدند . صادق تبریزی را پس از حادثه رحی شاه دوشقه نموده یک شقه را بدروازه شمیران و شقه دیگر را به دروازه حضرت عبدالعظیم برای عبرت ناس آویزان نمودند . در باغ ایلخان که در خلج شهر و در محل فعلی خیابان فردوسی واقع بود قره العین طاهره را شبانه شهید نموده پس از آن را بجای افکند و پسر - نمودند (۳)

در طهران و اطراف آن مقابری وجود دارد که

آهنگ بدیع

هر صاحب شمی عرف مقصود را از تو میباید و در توید
آمد آنچه مستور بود و از تو ظاهر آنچه پوشیده و -
پنهان کدام عاشق را ذکر نمایم که در توجان داد
و در خاکت پنهان شد نجات قمیص الهی از تو قطع
نشده و نخواهد شد .

طهران همواره مرکز تشکیلات امری ایران بوده و
اولین محفل روحانی طهران در سال ۱۳۱۵ هجری
قمری (۱۲۸۰ شمسی) با حضور ایادی وقت تشکیل
شد و تا سال ۹۰ بدیع (۱۳۱۲ هجری شمسی)
که محفل روحانی ملی تأسیس گردید در اوایل دوره -
حضرت ولی امرالله بعنوان محفل مرکزی ایران موسوم
گردید و بعضی از وظایف ملی رانیز رسیدگی میکرد .

بعضی از آنها جنبه تاریخی دارد مانند شاه عبدالعظیم
و امامزاده حمزه در شهری و آرامگاه شیخ صدوق
ابن بابویه (از علمای شیعه در قرن ۴ هجری)
در نیم کیلومتری شاه عبدالعظیم و همچنین امامزاده
حسن امامزاده معصوم امامزاده سید نصرالدین
و مقبره امام جمعه اسبق طهران بنام قبر آقادر -
جنوب . بعضی از نفوس شهیره امر در نواحی مختلف
شهر دفن شده اند از جمله مقام سلیمانخان -
جناب صدرالصدور میرزا مسیح نوری آقا میرزا نعیم
اصفهانی ملاعلی اکبر ایادی ابن اسیر ابن اصدق
و نیز مدفن شهدای سببه در خارج دروازه حضرت
عبدالعظیم واقع است و مدفن دو تن شهید اول در
ایران حاجی اسدالله فرزندای و شیخ صالح کریمی
در اطراف این شهر قرار دارد (۱) .

حضرت اعلی جل اسمہ الاعلی در زیارتنامه شاه
عبدالعظیم زی را وادی مقدس و قطعه ثی از روضات
جنان دانسته اند قوله تبارک و تعالی (فالیک اشکر
من حال بینی و بین زیارتک والورود علی بساط عزتک
فوالذی روحی بیدیه لو ملکنی الله ماعلی الارض کلها
لرضیت بان اعطی و ادخل حرمک لانه قطعه من
روضات الجنان و یجری فی حکمها حکم وادی المقدس
فی البقعه المبارکه من نظری بالبیان الی حکم البیان (۲)
طهران در الواح مبارکه بنام ام العالم و ارض
ظاء نامیده شده است جمال قدم در یکی از الواح
میفرمایند قوله جل جلت عظمتہ (قل یا ام العالم و مطلع
النور بین الام ابشرک بعنایت رمک و اکبر علیک من
قیل الحق علام الغیوب اشهد فیک ظهرا لاسم المکنون
والغیب المخزون) (۳) و نیز در لوحی دیگر میفرمایند
(یا ارض الطاء یاد آور هنگامی را که مقرر عرش بودی و -
انوارش از درود یوارت ظاهر و هویدا چه مقدار از نوس
مقدسه مطمئن که به حبت جان دادند و روان ایشان
نمودند طوبی از برای تو و از برای نفوسیکه در توسا گنند

XX
X " یا ارض الطاء لاتحزنسی من شیخی X
X قد جعلک الله مطلع فرح العالمین . . . X
X افرحی بما جعلک الله لاق النور بما X
X ولد فیک مطلع الظهور و سمیت بهذا X
X الاسم الذی به لاح نیر الفضل و اشرق X
X السموات و الارضون . . . اطمئنی بفضل ربک X
X انه لاتقطع عنک لحنانات الالطاف " X
X (کتاب مستطاب اقدس) X
XX

(۱) ظهور الحق صفحه ۳۲۸ (۲) ظهور الحق صفحه ۲۳۱ (۳) قاموس توتیع مبارک ۱۰۵ جلد ۱ صفحه ۱۶۵

سیزدهمین انجمن شور روحانی ملی جوانان بهائی ایران

سیزدهمین انجمن شور روحانی ملی جوانان بهائی ایران در ایستام
پنجشنبه و جمعه ششم و هفتم شهرالعهده ۱۱۹/ بدیع مطابق با
۲۲ و ۲۳ شهریور ماه / ۱۳۴۱ در کوی یوسف آباد منزل جناب قدس
و با حضور ۳۰ نفر از نمایندگان مراکز قسمتهای امریه و لجنه ملی جوانان پس-
از بیانات ایادی امرالله جناب سرلشکر علائی علیه بهاء الله نماینده محفل
مقدس ملی تشکیل و با انتخاب هیئت عامله انجمن رسمی گردید .
یکی از نمایندگان خوزستان و نمایندگان بیرجند و کاشان در نائونشن حضور
نداشتند .

اسامی نمایندگان مجتمعه در سیزدهمین کائونشن ملی جوانان بهائی ایران
بقرار ذیل است :

- | | |
|--------------------|--|
| ۱- قسمت امری آباده | جناب سیروس تمدن . |
| ۲- " " اراک | سرکارخانم عزت نیلچیان . |
| ۳- " " اصفهان | جناب ایرج بشیری و جناب سهراب روحانی . |
| ۴- " " خوزستان | جناب منوچهر یوسفیان . |
| ۵- " " بابل | جناب فیروز زکیری . |
| ۶- " " بندرگز | جناب منوچهر میثاقیان . |
| ۷- " " آذربایجان | جناب عطاء الله فریدونی و جناب دکتر
عبدالمیثاق قدیریان . |
| ۸- " " گیلان | جناب دکتر بیژن رحیمی . |
| ۹- " " زاهدان | جناب فواد شبخ . |
| ۱۰- " " ساری | جناب هوشنگ بینائی . |
| ۱۱- " " سنگسر | سرکارخانم اطهریه گلستانی . |



بانزد همین کانونشن جوانان آذربایجان



جشن بین المللی جوانان بهائی یزد - ۱۹ بدیع

آهنگ بدیع

- | | |
|--------------------|--|
| ۱۲- قسمت امری فارس | جناب مهندس مهرداد فروفی و جناب منصور جان نثار . |
| ۱۳- " " طهران | جناب قدرت الله روحانی - جناب دکتر ایمانی و جناب دکتر عباس کاشف . |
| ۱۴- " " قزوین | جناب الله مراد روحی زادگان . |
| ۱۵- " " کرمان | جناب اصغر رضانی زاده |
| ۱۶- " " کرمانشاه | جناب امیر حسین نادری . |
| ۱۷- " " خراسان | سرکار خانم فائزه اشراق و جناب حبیب حسینی . |
| ۱۸- " " نی ریز | سرکار خانم منور صالحی |
| ۱۹- " " همدان | جناب حسین خیبری . |
| ۲۰- " " یزد | جناب ذبیح الله بهین و جناب ضیا* میر عرشاهی . |
- و نمایندگان لجنه ملی جوانان آقایان دکتر خسرو مهندس سی - مهندس جهانگیر هدایتی و مهندس عزیز نور مجیدی بودند .

بمظور موفقیت انجمن در امور جاریه تلگرافی بدین مضمون بارش اقدس مخابره گردید .

حیفاً - اسرائیل

حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس علیهم بها* الله الابهی سیزدهمین کانونشن ملی جوانان منعقد جهت موفقیت در انجام تعهدات و وظائف محوله استدعای دعا در اعتاب مقدسه دارد .

کانونشن جوانان

در پاسخ این تلگراف هیئت مجله ایادی امرالله در ارض اقدس تلگرافی در تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۶۲ بدین مضمون بافتخار انجمن ملی جوانان مخابره فرمودند .

روحانی توسط نونهالان طهران

بانجمن سالیانه جوانان اطمینان دهید که از اشتغال و انجذاب و غلوص آنان نهایت مسرت حاصل از آستان مقدس ملتسمیم با اجرای وظائف مهمه ای که از طرف حضرت ولی محبوب امرالله بعهدہ آنان محول گشته بکمال شایستگی توفیق حاصل نمایند . ایادی امرالله

سپس خلاصه مجهودات و اقدامات لجنات مجله مراکز قسمتها توسط نمایندگان قرائت گردید . بعد باخذ پیشنهادات در باره * طریق جلب و جذب جوانان به تشکیلات و آشنا ساختن آنان با نظم اداری و لزوم اطاعت از تشکیلات امری و همچنین تزئید معلومات و ارتباط مبادرت و کلیه مصوّبات و توصیه های انجمن برای اظهار نظر نهائی به محفل مقدس روحانی ملی ارسال گردید .

در پایان نمایندگان لجنات مجله ملیه مستدعیات و ضویات لجنات مربوطه را بیان داشته و از نمایندگان انجمن تقاضا کردند که هنگام مراجعت بمراکز خویش نسبت بانجام مستدعیات لجنات ملیه با محافل مقدسه محلّیه تماس حاصل نمایند .

ضمناً در لیالی تشکیل کانونشن دو جلسه عمومی از طرف لجنه مجله ملی جوانان و لجنه مجله جوانان بهائی طهران جهت آشنائی نمایندگان با جوانان مدینه * منوره - امیران منعقد و پس از معرفی نمایندگان هر یک بیاناتی ایراد داشته و هدایائی از طرف لجنه ملی جوانان دریافت داشتند . در یکی از جلسات عمومی جناب عطا* الله فریدونی قطعه شعر شورانگیزی را که خود سروده بودند قرائت کردند که مورد توجه قرار گرفت



آهنگ بدیع

که اینک ذیلا شعر مذکور بنظر خوانندگان عزیز میرسد :

بیائید تا چشم دل وا کنیم	ز سوز درون شور بر پا کنیم
غموشی بعشاقی زیننده نیست	خروشی بر آرم و غوغا کنیم
جهان را که در سایه غفلت است	پراز یرتو شمن ابهی کنیم
روان دل افسردگان را ز عشقی	فروزان و پاک و مصفی کنیم
بهر جا که لب تشنه ای یافتیم	شراب حقیقت مهیا کنیم
چو دیدیم گم کرده راهی بر اه	د ری از هدایت بر ووا کنیم
بهر جا بهر سو بهر گوشه ای	یکی بهر تبلیغ پیدا کنیم
همه را ز سر بسته * عشق را	بگم کرده راهمان هویدا کنیم
بکوشیم تا دهر آشفته را	پراز صلح سازیم و زیبا کنیم
بیابیم ذوق مناجات را	بهر صبح روسوی بالا کنیم
دل تیره را صیقلی نودهیم	زهر کینه خود را مبری کنیم
فروغ خدا را بهر بامداد	درون دل خود تماشا کنیم
بهائی با خلاق باشیم و خوی	بگردار تبلیغ دنیا کنیم
کشیم از درون نعره * یا بهیا	جهان را رها از بلا یا کنیم
د رین دور تاریک و پراضطراب	بیائید تا چشم دل وا کنیم